

دکتر حسین فاطمی

- ۲..... کودکی و جوانی
- ۲..... حسین فاطمی از شهریور ۱۳۲۰ تا بازگشت به ایران در ۱۳۲۷.....
- ۶..... دکتر فاطمی از ۱۳۲۷ تا تشکیل جبهه ملی ایران.....
- ۷..... تشکیل جبهه ملی ایران.....
- ۱۱..... طرح ملی شدن نفت.....
- ۱۲..... معاون پارلمانی سیاسی نخست‌وزیر و سخنگوی دولت، نمایندگی مجلس هفدهم.....
- ۱۵..... ترور نافرجام.....
- ۱۷..... وزیر امور خارجه و سخنگوی دولت.....
- ۲۰..... دکتر فاطمی در پنج ماه اول سال ۱۳۳۲ تا قبل از کودتا.....
- ۲۲..... از کودتای اول تا پیروزی کودتای ۲۸ مرداد.....
- ۲۶..... دوران در به دری و مخفی شدن.....
- ۲۸..... دستگیری و چاقو خوردن.....
- ۳۰..... دوران زندان.....
- ۳۲..... مکتوبات در زندان.....
- ۳۴..... دادگاه نظامی.....
- ۳۷..... لایحه دفاعیه دادگاه نظامی.....
- ۴۰..... شهادت.....
- ۴۱..... برخی نقدها و نظرات درباره دکتر فاطمی.....
- ۴۷..... کلام آخر درباره دکتر فاطمی و راه جمهوری خواهی او.....

کودکی و جوانی

در ۵ آبان سال ۱۲۹۶ ه.خ (۱۰ محرم ۱۳۳۶ ه.ق - ۲۷ اکتبر ۱۹۱۷ م) که روز عاشورای آن سال بود و در شهر نائین،^۱ پس از سه پسر و یک دختر، آخرین فرزند سید علی محمد (ملقب به سیف‌العلماء) روحانی نائینی و سیده طویی، چشم به جهان گشود که نام او را «حسین» گذاردند.^۲ سید حسین از کودکی لجاجت و کله‌شقی خاصی داشت که موجب اصطکاک وی با هم‌سالانش بود. او تحصیلات ابتدائی را در دبستان گلزار در زادگاهش و دوره دبیرستان را در اصفهان گذراند.^۳ در همان دوران از آنجا که برادرش صاحب روزنامه «باختر» در اصفهان بود، حسین نیز جهت کمک به برادر عملاً وارد عرصه روزنامه‌نگاری شده و تجربیاتی به دست آورد.^۴ از ۱۳۱۴ همکاری با باختر را آغاز^۵ و در ۱۳۱۶ برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت نمود. در آنجا با داشتن معرفی‌نامه‌هایی از برخی روزنامه‌نگاران به روزنامه «ستاره» متعلق به احمد ملکی وارد شد و با تجربیات و توانائی‌هایش، به سمت پیشرفت در حرکت بود و به مرور حقوق و شرایطش بهبود می‌یافت.^۶ در این دوران یک بار هم مورد حساسیت ماموران سانسور شهربانی قرار گرفت که احضار و بازجویی شد اما مسأله خاصی رخ نداد.^۷ سرانجام پیش از نیمه دوم سال ۱۳۱۸^۸ به خواست برادرش به اصفهان بازگشت و اداره روزنامه باختر را زیر نظر گرفت.^۹

حسین فاطمی از شهریور ۱۳۲۰ تا بازگشت به ایران در ۱۳۲۷

شهریور ۱۳۲۰ رسید و کشور به اشغال قوای بیگانه درآمد و در عین حال رضاشاه برکنار و اندکی نسیم آزادی وزیدن گرفت. حسین کماکان در باختر در اصفهان قلم می‌زد. نخستین بازداشت کوتاه مدت او^{۱۰} در اعتراض به قرارداد سه جانبه تخلیه

^۱ - *خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی*، بهرام افراسیابی، انتشارات سخن، چاپ اول ۱۳۶۶ / ص ۸۱ -- لازم به ذکر است که در برخی منابع تاریخ تولد به اشتباه ۱۲۹۹ خ ذکر و حتی بر سنگ مزار دکتر فاطمی هم ۱۲۹۹ نوشته شده است. در حالی که اولاً در اکثر منابع همین روز عاشورای سال ۱۲۹۶ ه.خ آمده و از آن مهم‌تر دکتر فاطمی در مهر ۱۳۳۳ در دادگاه نظامی سن خود را ۳۷ سال اعلام نموده است. (*خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی*، بهرام افراسیابی / ص ۳۳۲) ضمن اینکه وی در ۱۳۳۰ معاون نخست‌وزیر شد که بعید است فردی ۳۱ ساله بتواند به آن سمت برسد.

^۲ - *سید حسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران*، رزا ناظم، انتشارات آگاه، چاپ اول ۱۳۸۸ / صص ۱۹-۲۱

^۳ - *خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی*، بهرام افراسیابی / ص ۸۱

^۴ - *زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی*، دکتر نصرالله شیفته، انتشارات آفتاب حقیقت، چاپ اول ۱۳۶۴ / ص ۱

^۵ - *سید حسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران*، رزا ناظم / ص ۱۱

^۶ - *خاطرات احمد ملکی مدیر روزنامه‌ی ستاره، تاریخچه جبهه‌ی ملی*، احمد ملکی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول (این ناشر) ۱۳۸۶ / صص ۱۳۴-۱۳۷

^۷ - *خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی*، بهرام افراسیابی / صص ۸۴ و ۸۵

^۸ - *خاطرات احمد ملکی مدیر روزنامه‌ی ستاره، تاریخچه جبهه‌ی ملی*، احمد ملکی / صص ۱۳۹-۱۴۲ - در آنجا نامه دکتر فاطمی از اصفهان به ملکی به تاریخ شهریور ۱۳۱۸ وجود دارد.

^۹ - *زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی*، دکتر نصرالله شیفته / ص ۴

^{۱۰} - در برخی منابع به اشتباه این بازداشت را به قبل از شهریور ۱۳۲۰ نسبت دادند. در حالی که حتی در روزنامه باختر امروز ۱۳۳۲/۰۵/۲۵ / ص ۳ هم درباره دکتر فاطمی به سه بار زندان وی بعد از شهریور ۱۳۲۰ اشاره شده است.

ایران از قوای بیگانه بعد از پایان جنگ جهانی دوم بود. (برخی به دلیل نگرانی ناشی از دید منفی به حکومت فروغی با آن قرارداد مخالفت کردند و گرنه در نهایت به سود ایران بود.) اما این کار به سرعت باعث نگرانی مقامات شد و کنسول انگلیس به برادر حسین گفت مقالات حسین باعث نگرانی سفارت‌های روس و انگلیس است. توقیف او هم ممکن است بهانه‌ای برای ایجاد آشوب در مردم توسط افراد مرتبط با آلمان و بختیاری‌ها شود. حتی کنسول اعلام کرد آنان به انتشار مجدد باختر و آزادی حسین کمک خواهند کرد. به این ترتیب حسین بعد از صحبت با برادرش آزاد شد. ولی پس از خروج از زندان تصمیم گرفت روزنامه باختر را به تهران منتقل کند.^{۱۱}

انتشار باختر در تهران از ۱۴ تیر ۱۳۲۱ خ آغاز شد و حسین اولین سرمقاله مهمش در باختر دوره جدید را در آن شماره با عنوان «خدا-ایران-آزادی» به نگارش درآورد که نشانگر عظمت دید و اهداف زیبایی‌ش بود. به واقع او از همان زمان کوچک بودن زندگی در برابر خدمت به جامعه و نیک نامی نزد نسل‌های آینده را نشان داد و پس از تاکید بر توکل به خدا نوشت:

" ... بالاخره باید برویم بنزد پدران. می‌شود با روی سیاه رفت؟ مائیم و آیندگان. با خفت و خواری می‌توان در گور خفت؟
نه ... این امر محال است

...

اول وسیله ما و بهتر اسلحه ما برای حفظ ایران داشتن آزادی است باید ایرانی حفظ کند یعنی توده ایرانی-یعنی تمام افراد- ایرانی و توده و اجتماع تا آزاد نباشد و آزادی نداشته باشد نمیتواند به وظیفه خود عمل نماید.

...

آزادی-بزرگ ترین ودیعه خدائی- لازمه حیات انسانی آن چیز که خدا به رایگان به همه ارزانی داشته و آن را از مردم نگیریم، پس می‌گوئیم: هر کس آزادی مشروع ملت ایران را محدود کند به استقلال ایران لطمه بزند خائن و پلید است!^{۱۲}

و در مقالات بعدی به استبداد و ظلم‌های رضاشاه حمله کرده و مثلاً در سرمقاله‌های ۱۹ و ۲۴ اسفند ۱۳۲۱ باختر می‌نوشت:^{۱۳}

"... حکومت رضاشاه رشوه‌خواری و دزدی را که پست‌ترین خصیصه است در ایران رواج داد، ملک و هستی مردم را تاراج کرد و مال افراد را به انواع حیل و دستاویزها گرفت،

...

ای کاش رضاشاه تنها خود بدین خرابکاری دست زده بود، بدبختی اینجاست که از این مکتب رشوه‌خواری و اختلاس اموال ملت و دولت، هزارها نفر شاگرد بهتر از استاد بیرون آمد"

9

^{۱۱}-گزند روزگار، نصرالله سیف پور فاطمی، انتشارات شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۹/صص ۱۶۳-۱۶۵

^{۱۲}-خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، بهرام افراسیابی/صص ۸۶-۸۸

^{۱۳}-رودخانه خروشان عشق، محمود حکیمی، انتشارات قلم، چاپ اول ۱۳۸۱/صص ۳۵-۳۷

"[در دوران رضاشاه] افراد را بدون هیچ گونه تقصیر، فقط به جرم آزادی خواهی گرفته و در محبس قصر جای داده و اموالشان را تاراج می کرد..."

یکی از درگیری های تند او با نظام هم در خرداد ۱۳۲۲ خ علیه دولت سهیلی به دلیل فساد و تقلب در انتخابات و به خصوص تلاش دولت برای محدود کردن مطبوعات رخ داد.^{۱۴} فاطمی در سرمقاله های آن ماه به تناوب حملاتی به دولت نمود و در سرمقاله ۲۶ خرداد با عنوان «یا مرگ یا زندگی» نوشت:

"این دو راهی است که امروز ملت ایران باید انتخاب کند یا مرگ یا زندگی، در اختیار کردن این دو طریق پیش از هر چیز باید بدانند مرگی که می پذیرد حتماً بایستی قرین شرافت و افتخار باشد همینطور است آن زندگی که قبول میکند و در پناه آن دقایق ایام را سپری میسازد باید با سرافرازی و شرف توأم باشد...!"

...

این گربه رقصانی های زمامداران دولت، این فشار و تعدیات افراد لشگری و کشوری، این گرسنگی خوردنها و دربدریها، این خیمه شب بازی دولت بیکیفایت سهیلی، این وعده های که از دروغ و تو خالی وزراء و رئیس الوزرا، این شمرخانی لیدرهای مسخره کابینه هنوز اعصاب را تهییج نکرده و هنوز این توده لاقید را آنقدر در زیر منگنه فشار نگذاشته است که بتواند حاکم بر مقدرات خویش شود و سرنوشت زندگانش را خود در دست گیرد.

برخیز! بیدار شو! ای ملت ایران! این خواب طولانی و افتخار را از دست تو گرفت، تو مفتخر دنیا بودی، تو یكروز از فرط غرور بر دریاها تازیانه میزدی، امروز چرا اینقدر خموش و ساکت نشسته ای،

...

برخیز! بیدار شو! ای ملت ایران! چهارصد سال است که تو در خواب عمیقی فرورفته ای و اعصاب را تخدیر کرده اند...^{۱۵}

و حملات دیگری در مقاله سیاسی دوم همان شماره با عنوان «وای بر سهیلی» به وی به دلیل ضدیت سهیلی با مطبوعات انجام داد.^{۱۶} همچنین هنگامی که بحث اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی و ورود «کافتارادزه» پیش آمد، باز باختر به مقابله با آن پرداخت^{۱۷} و علیه کافتارادزه موضع گرفت.^{۱۸}

گفتنی است در آن دوران «محمد مسعود» مدیر روزنامه «مرد امروز» نیز از منتقد شرایط حاکم بوده و قلم تندی داشت که گاهی کارش را به توقیف روزنامه می کشاند. فاطمی در آن زمان به مرور دوستی نزدیکی با مسعود پیدا کرد. حتی هنگامی که

^{۱۴} - زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، دکتر نصرالله شیفته/ صص ۴۵-۴۹

^{۱۵} - همان/ ص ۵۰

^{۱۶} - زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، دکتر نصرالله شیفته/ ص ۵۲

^{۱۷} - روزنامه باختر ۸ مرداد ۱۳۲۸ - سرمقاله یا مرگ یا آزادی به قلم دکتر حسین فاطمی که یادآوری مسائل قبلی است و به بحث کافتارادزه اشاره شده است.

^{۱۸} - قلم و سیاست از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ج ۱، محمدعلی سفری، نشر نامک، چاپ اول بهار ۱۳۷۱/ ص ۱۱۹

فاطمی از قوام دفاع می‌کرد، گاهی بر سر دفاع از مسعود در برابر دولت قرار می‌گرفت.^{۱۹} چنانکه در باختر ۲۸ آبان ۱۳۲۱ خ خواهان رفع توقیف مرد امروز شد.^{۲۰} علاوه بر این فاطمی و باختر مدت کوتاهی با برخی تشکیلات‌های سیاسی به سان «جبهه مطبوعاتی آزادی»، «جبهه مطبوعاتی استقلال» و حتی حزب «اراده ملی» متعلق به سیدضیاءالدین طباطبائی همراهی نمودند. اما نه همکاری فاطمی و نه حتی خود آن تشکیلات‌ها مدت زیادی دوام نیاوردند.^{۲۱} به این ترتیب دوره اول فعالیت‌های فاطمی بعد از شهریور ۱۳۲۰ پایان یافت. نکته برجسته این دوران همانا علاقه حسین به آزادی و خدمت به ایران است گرچه اقداماتش به دلایلی همچون تجربه و سن کم و عدم وجود یاران موثر، گسترش چندانی نیافت. همچنین اشتباهاتی در همکاری‌های ولو اندک با افراد نامناسب داشت که احتمالاً ناشی از همان کم‌تجربگی‌اش بود.

سرانجام حسین در مرداد ۱۳۲۴ خ تهران را برای ادامه تحصیل به سمت پاریس ترک گفت و مدتی بعد هم روزنامه باختر به دلیل نداشتن مسئول دلسوز تعطیل گردید.^{۲۲} مخارج تحصیلش در پاریس توسط برادرش پرداخت می‌شد^{۲۳} و او با سختی و تنگدستی به تحصیل ادامه می‌داد؛ اما از یاد ایران غافل نبوده و حتی سرمقالاتش را برای ایران می‌فرستاد.^{۲۴} به خصوص در هنگام بحران آذربایجان حتی به گفته مخالفان بعدی‌اش، مقالات موثری نوشته و برای روزنامه‌های داخل می‌فرستاد.^{۲۵} ارتباط و همراهی وی با محمد مسعود نیز برقرار و حتی قصد ایجاد شرکتی با او داشت و به دنبال آماده کردن شرایط برای رفتن مسعود به فرانسه بود.^{۲۶} اما مسعود در ۲۲ بهمن ۱۳۲۶ در تهران ترور شد^{۲۷} که این مسئله موجب ناراحتی زیاد دکتر فاطمی گردید. به حدی که حتی پیش‌بینی رفتن خودش بعد از مسعود را نموده و تاکید می‌کرد داغ مسعود تا آخر عمر از قلبش کنار نخواهد رفت.^{۲۸} او تا مهر ۱۳۲۷ در اروپا توقف کرد^{۲۹} و سرانجام پس از ۳ سال و چند ماه با اخذ درجه دکترا در رشته حقوق سیاسی با تز «وضع کار در ایران» از دانشگاه پاریس و همچنین کسب دیپلم مدرسه «هوت اتود انترناسیونال» به ضمیمه دیپلم روزنامه‌نگاری، به کشور بازگشت.^{۳۰}

۱۹- سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران، رزا ناظم/ صص ۳۶ و ۳۷ نقل از باختر امروز ۱۳۳۰/۱۱/۲۳

۲۰- زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، دکتر نصرالله شیفته/ ص ۶۱

۲۱- سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران، رزا ناظم/ صص ۴۳-۵۲

۲۲- روزنامه باختر ۸ مرداد ۱۳۲۸ (در آن دوران بعضاً به جای باختر امروز روزنامه با عنوان باختر منتشر می‌شد مثلاً هنگام توقیف باختر امروز)

۲۳- زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، دکتر نصرالله شیفته/ ص ۲۸۳

۲۴- خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، بهرام افراسیابی/ ص ۱۰۰

۲۵- خاطرات احمد ملکی مدیر روزنامه ستاره، تاریخچه جبهه ملی، احمد ملکی/ ص ۱۵۱

۲۶- زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، دکتر نصرالله شیفته/ صص ۱۰ و ۱۱ و ۲۳ و ۲۳۲ و سرمقاله روزنامه باختر امروز ۱۳۳۰/۱۱/۲۳ به

قلم دکتر حسین فاطمی

۲۷- روز شمار تاریخ ایران، از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج اول، دکتر باقر عاقلی، نشر نامک، تهران ۱۳۸۴، چاپ هفتم/ ص ۴۱۲

۲۸- زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، دکتر نصرالله شیفته/ صص ۱۰-۱۲

۲۹- یادداشت‌های دکتر فاطمی در دوران مخفی شدن، مندرج در فصلنامه مطالعات تاریخی سال اول شماره اول، زمستان ۱۳۸۲/ ص ۸۸

۳۰- خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، بهرام افراسیابی/ ص ۱۰۰

دکتر فاطمی از ۱۳۲۷ تا تشکیل جبهه ملی ایران

بازگشت دکتر فاطمی به ایران در زمانی بود که ارتش‌های اشغالگر از ایران خارج شده و جنگ ابرقدرت‌ها با ایران بر سر امتیازهای استعماری و به خصوص نفت بود. در آن مقطع استعمار انگلیس قدرت اصلی در ایران بوده و نفت جنوب را تحت سلطه داشت و تلاش می‌کرد سلطه را برای سالیان دراز تمدید کند. به تبع نیاز به ایجاد اختناق و دیکتاتوری در ایران و تشکیل مجلس فرمایشی داشت. از آن سو دکتر «محمد مصدق» با سابقه طولانی درستکاری و مبارزه در راه آزادی و استقلال کشور، در آن مقطع فعال شده بود. دکتر فاطمی هم جزو ارادتمندان مصدق بود و از آن پس تحولات بزرگی در زندگی وی رخ داد.

از اولین اقدامات دکتر فاطمی بعد از بازگشت به کشور درخواست روزنامه جدید به نام خودش بود که سرانجام منجر به راه‌اندازی روزنامه «باختر امروز» شد که روزنامه عصر^{۳۱} بود. از آن پس سرمقاله‌های دکتر فاطمی که معمولاً صبح زود در رختخواب و قبل از صبحانه می‌نوشت،^{۳۲} هر از گاهی به شکلی آتشین خودنمایی می‌کرد. اولین شماره آن در ۹ تیر ۱۳۲۸ منتشر و سرمقاله آن به رنج گرسنگی مردم اختصاص داشت که در آن آمده بود حتی فردی از شدت استیصال مالی دست به خودکشی زده است. البته برخی مواقع هم به اسم باختر منتشر می‌شد. از جمله در ۸ مرداد ۱۳۲۸ اولین شماره به نام باختر منتشر شد و دکتر فاطمی سرمقاله «یا مرگ یا آزادی» را در آن نگاشت که بخش‌هایی از آن چنین است:

"... «باختر امروز» با همان تهور دیروز باختر، با همان جسارت و بی‌پروائی، از مصالح علف‌خورها، پابرهنه‌ها و گرسنه‌ها و بی‌کفن‌ها دفاع خواهد کرد. این روزنامه مال میلیون‌ها مردمی است که در اثر ضعف و ناتوانی در شرایط زندگی عصر حجر یا قرون وسطی باقیمانده‌اند و از دنیای قرن بیستم خبری ندارند. شعار ما اینست: یا مرگ یا آزادی"

و پس از آن مبارزه پیاپی باختر امروز آغاز گشت. دکتر فاطمی هم از همان زمان عزمش برای مبارزه با استعمار انگلیس را به شکل راسخی نشان می‌داد حتی از مبارزات استقلال طلبانه مردم آمریکا علیه انگلیس تعریف و ستایش می‌کرد. (باختر امروز ۱۳ تیر ۱۳۲۸) در عین حال به کرات بر رعایت حقوق بشر و آزادی در ایران تاکید داشت و مثلاً می‌نوشت:

"... ملت‌های کوچک آرزویشان اینست که آزادی و عدالت و اجرای اعلامیه حقوق بشر در همه جا بتواند سایه بگستراند"^{۳۳}

و خطاب به هیئت حاکمه ایران:^{۳۴}

^{۳۱} - سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران، رزا ناظم/ ص ۱۱۱ -- محمدعلی سفری هم در کتابش اشاره می‌کند که بعد از ظهرها باختر امروز زیر چاپ رفته و او چند نسخه برای دکتر فاطمی می‌برده است. (قلم و سیاست (۴)، سرگذشت رژیم شاهنشاهی در واپسین روزها، ج ۴، محمدعلی سفری، نشر نامک، چاپ اول زمستان ۱۳۸۰/ ص ۴۸۸) در نتیجه روزنامه صبح نبوده است.

^{۳۲} - زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، دکتر نصرالله شیفته/ ص ۲۸۰ + خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، بهرام افراسیابی/ ص ۱۳۱

^{۳۳} - باختر امروز ۱۳/۰۴/۱۳۲۸ - ص ۴

^{۳۴} - باختر امروز شماره ۹ مورخ ۱۳۲۸/۰۴/۱۹ -- ص ۴ (لازم به ذکر است آنجا تاریخ به اشتباه ۱۳۲۸/۰۴/۱۳ ذکر شده اما شماره آن ۹ است. همچنین در صفحه اول خبری درباره مذاکرات دیروز مجلس دارد که مربوط به جلسه ۱۸ تیر ۱۳۲۸ است.)

"شما از اعلامیه حقوق بشر چه میفهمید؟"

هیئت حاکمه ایران از «اعلامیه حقوق بشر» که آزادی، برادری و برابری را برای مردم با خون و لایق جهان آورد چه میفهمد

...

جامعه اسیر و محروم ما نه تنها از صبح ایدآلی «اعلامیه حقوق بشر» خیلی فاصله گرفته بلکه از قرون وسطی نیز چند قرن عقب تر است.

...

اعلامیه حقوق بشر در میان طبقات پولدار و زور دار ایران بقدر توصیه یک بچه حاجی ملیونر و باندازه اراده یک ژاندارم وافوری و معادل هوی و هوس یک پلیس مخفی شیرهای ارزش و اعتبار ندارد

...

اعلامیه حقوق بشر برای ملت های زنده و مردمی که از عدالت و آزادی و مساوات در برابر قانون بهره میبرند بسیار پرارزش است و حق دارند نمایشگاه و موزه برای این کمال مطلوب انسانیت درست کنند اما برای ما بهتر نبود که موزه ای از یادگارهای زشت چنگیزی و نمایشگاهی از اوهام و خرافات و فنودالیسم و سرمایه داری غارتگرها درست میکردند تا دنیای متمدن بفهمد بچه مرحله ای از تکامل خود رسیده است؟"

که به جرئت باید گفت باختر امروز از اولین روزنامه های ایران است که به اعلامیه جهانی حقوق بشر پرداخته است. در حالی که این مهم هنوز بعد از گذشت حدود ۶ دهه هم به طرز مناسبی در ایران جا نیفتاده است. به تبع این روند، در آن دوران چندین بار هم توقیف شد. چنانکه روزنامه های باختر ۱۳۲۸/۰۵/۱۲ و ۱۳۲۸/۰۵/۲۶ و ۱۳۲۸/۰۶/۲۱ نشان می دهند که ظرف یک ماه سه بار توقیف و بعد از مدتی آزاد می شد.

تشکیل جبهه ملی ایران

در سال ۱۳۲۸ لایحه موسوم به «گس-گلشائیان» بابت الحاق به قرارداد ۱۹۳۳ در دستور کار مجلس پانزدهم قرار داشت که سلطه انگلیس بر نفت ایران را تا ۱۹۹۳ (۱۳۷۲خ) تمدید می کرد. البته این مسئله مقارن آخرین روزهای عمر مجلس پانزدهم بود که فعالیت و اعتراضات وطن دوستان همچون دکتر فاطمی و روزنامه اش به رهبری دکتر مصدق، برای ممانعت از تصویب آن بسیار شدید شد و تا حدی آن را متوقف کرد. آنان حتی خواهان تغییر کل شرایط نفتی به شکل مناسبی برای کشور بودند. بعد چشم ها به مجلس شانزدهم دوخته شده بودند تا وضعیت نفت و به تبع آن آینده سیاسی و اقتصادی ایران مشخص گردد. طبیعتاً نیاز اصلی جامعه در آن مقطع انتخابات آزاد مجلس بر خلاف انتخابات مجلس قبلی بود تا نمایندگان واقعی مردم به مجلس راه یابند و از حقوق مردم دفاع کنند. از این رو ملیون حساسیت زیادی روی آزادی انتخابات داشتند.

دکتر مصدق در این باره در خاطراتش می‌نویسد که دکتر فاطمی با او مذاکره نموده تا برای آزادی انتخابات فکری بکنند و افراد دیگری هم چنین درخواستی داشتند.^{۳۵} بعد تعدادی از روزنامه‌نگاران از جمله دکتر فاطمی در ۱۸ مهر در منزل دکتر مصدق جمع شده و از او درخواست اقدام کردند. دکتر مصدق هم از مردم خواست که روز ۲۲ مهر جلوی کاخ سلطنتی شاه حاضر شده و از شاه خواهان آزادی انتخابات گردند. این اقدام با حضور جمع کثیری از مردم انجام پذیرفت و ۲۰ نفر به نمایندگی از جمع تحت رهبری دکتر مصدق وارد دربار شده و در آنجا تحصن کردند که دکتر فاطمی نیز در بین آنان بود. اینان چند روز در دربار تحصن کرده و بعد بدون اخذ نتیجه خاصی خارج شدند؛ اما همین گروه هسته تشکیلات مهم آزادی‌خواه بعدی را ایجاد کرد. مدتی بعد اینان در احمدآباد منزل دکتر مصدق جمع شدند و دکتر فاطمی پیشنهاد کرد این عده تحت عنوان «جبهه ملی» با یکدیگر متحد شده و با نظم و برنامه شروع به فعالیت کنند.^{۳۶} به این ترتیب اسم جبهه ملی توسط دکتر فاطمی پیشنهاد^{۳۷} و به اتفاق آراء تصویب شد.^{۳۸} جبهه ملی ایران هم در ۱ آبان ۱۳۲۸ خ تحت رهبری دکتر مصدق متولد گردید.^{۳۹}

تشکیل جبهه ملی به گفته دکتر فاطمی یکی از مهم‌ترین و لذت‌بخش‌ترین تحولات زندگی وی بود. او در این باره در سرمقاله روزنامه باختر ۲ آبان ۱۳۲۸ نوشته است:

"مبارزین راه آزادی جبهه ملی را تشکیل دادند.

روزنامه‌های صبح امروز بشارتی برای ملت ایران داشتند زیرا تشکیل یک «جبهه ملی» را که به پیشوائی «دکتر مصدق» بوجود آمده است خبر داده بودند. همان بیست نفری که در تحصن دربار شرکت داشتند و برای تامین حق آزادی انتخابات سعی و مجاهدت بخرج دادند اکنون یکقدم موثرتر و اساسی‌تر برداشته شالوده «جبهه ملی» را ریختند.

تا کنون مشروطیت ما بمناسبت جلوگیری از رشد احزاب موثر و قوی بکلی فلج و هر روز در معرض تجاوز و تاراج عده‌ای مغرض و منفعت جو بوده است.

...

با وجود تعهدی که ما در برابر جامعه ملل داریم و اجرای مواد اعلامیه «حقوق بشر» را تضمین کرده‌ایم هنوز ملت ما بقدر مردم قرون وسطی و اعصار اولیه خلقت از آزادیهای فردی و اجتماعی بهره‌ور نیست حفظ و رعایت اصول و حقوق قانون اساسی نیازمند بمجاهدین و فداکارانیست که در مکتب سیاست، درس وطن پرستی و نوعدوستی و عدالتخواهی و قانون پروری را بیاموزند و افراد جامعه را بوظایفی که در برابر اجتماع دارد آشنا کنند و از همه مهمتر اینکه بآنها بفهمانند در داخل این اجتماع از چه حقوق و مزایایی باید بهره مند بشوند و پیمودن چه راهی متضمن سعادت و خوشبختی و رفاه ایشان خواهد بود.

...

^{۳۵}- خاطرات و تالمات دکتر محمد مصدق، دکتر محمد مصدق، به کوشش ایرج افشار، انتشارات محمدعلی علمی، چاپ پنجم/ ص ۲۴۵

^{۳۶}- قلم و سیاست از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ج ۱، محمدعلی سفری/ صص ۲۹۰-۳۰۰

^{۳۷}- یادداشت‌های دکتر فاطمی در دوران مخفی شدن، مندرج در فصلنامه مطالعات تاریخی سال اول شماره اول، زمستان ۱۳۸۲/ ص ۹۴

^{۳۸}- خاطرات احمد ملکی مدیر روزنامه‌ی ستاره، تاریخچه جبهه‌ی ملی، احمد ملکی/ صص ۱۰۶ و ۱۰۷

^{۳۹}- روزنامه باختر ۲ آبان ۱۳۲۸

«دکتر مصدق» پیشوای بزرگ ملی ایران که نیم قرن تمام در راه منافع مردم محروم و بدبخت این مملکت مبارزه کرده است اکنون بیش از پیش خودش را در اختیار «ملت» گذاشته و با قبول پیشوائی «جبهه ملی» خواهد توانست باین مشروطیت مرده و بیروح ما جان تازه‌ای ببخشد زیرا امروز کسی را در ایران سراغ ندارید که بتواند تقوای سیاسی «دکتر مصدق» را انکار کند و چه بسیار مردان وطن پرست و جوانان پر شور و افراد با ایمان در ایران هستند که آرزو میکشیدند یکرروز «دکتر مصدق» جلو بیفتد و راهنمایی و پیشوائی ایشان را بعهده بگیرد. آرزو فرا رسید و جبهه‌ای که بتواند تمام عناصر توانا و درس خوانده و محروم را چون حلقه‌های زنجیر بیکدیگر متصل کند تشکیل شد. این جبهه پرچمدار آزادی و طرفدار قانون اساسی و دشمن زورگوئی و دزدی و رشوه خواریست. مساعی این جبهه در اینراه بکار خواهد رفت که قیافه مسخ «دموکراسی» کاغذی و دروغی فعلی را بصورت واقعی و دنیا پسند بیرون بیاورد و از هدر رفتن قوای پراکنده ایکه اصلاح طلبان مایوسانه و بی اثر خرج میکردند جلوگیری خواهد کرد و آنرا فقط در راه حمایت مردم و سعادت جامعه مصروف خواهد داشت. من اقرار میکنم که هیچوقت بلذت امروز مقاله ننوشته‌ام، امروز مانند عاشقی که پس از سالها مفارقت و هجران بوصل معشوق خود رسیده است، مثل تشنه‌ایکه روزها و شبها در بیابان‌های سوزان دویده و چشمه آب حیات را یافته است، همچون طالب مشتاقی که بکمال مطلوب خویش رسیده، در عین شوق و شغف اینستور را بپایان میبرم زیرا میبینم با تشکیل «جبهه ملی» یکصف منظم و قوی که مظهر اراده جامعه ایرانیست بوجود آمده است"

به این ترتیب مبارزه دکتر فاطمی در مسیر استقلال و آزادی ایران تحت رهبری دکتر مصدق شکل تشکیلاتی نسبتاً منسجمی به خود گرفت. باختر امروز هم عملاً ارگان اصلی نهضت ملی ایران شد.^{۴۰} در مراحل بعد هم دکتر فاطمی نقش موثری در تبلیغات جبهه ملی و اقدامات در رسانه‌ها داشت که به تبع تأثیر بالائی در روشن شدن مردم و جلب حمایت آنان داشت.^{۴۱} به همین دلایل دکتر مصدق بارها تأکید می‌کرد قلم دکتر فاطمی به اندازه یک ارتش به ما یاری و کمک می‌دهد.^{۴۲}

اشاره به این نکته لازم است که مواضع دکتر فاطمی نشان می‌دهند وی از نیروهای دارای گرایش «ملی چپ»^{۴۳} در بین ملیون بود. به این شکل که اعتقاد قاطع به دموکراسی و استقلال ایران و خدمت به کشور داشت و از این بابت فردی ملی بود. همچنین از نظر اقتصادی مدافع اقشار ضعیف و به تعبیر باختر «پابره‌نه‌ها»^{۴۴} بود. در تائید این مسئله شواهد مکرری وجود دارد. اولاً دو مفهوم «آزادی» و «عدالت» به شکل همزمان در بسیاری مقالات وی وجود دارند و عملاً مبنای فعالیت و اعتقاد او هستند.

^{۴۰} - پرسش‌های بی‌پاسخ در سالهای استثنایی، خاطرات مهندس احمد زیرک‌زاده، به کوشش دکتر ابوالحسن ضیاء‌ظریفی، دکتر خسرو سعیدی، انتشارات نیلوفر، چاپ اول زمستان ۱۳۷۶/ص ۱۱۷

^{۴۱} - خاطرات احمد ملکی مدیر روزنامه‌ی ستاره، تاریخچه جبهه‌ی ملی، احمد ملکی /صص ۱۱۲ و ۱۱۳

^{۴۲} - با مصدق و دکتر فاطمی، ناصر نجمی، انتشارات معاصر، چاپ اول ۱۳۶۸/ص ۶۹

^{۴۳} - آقای دکتر «فریبرز رئیس دانا» اقتصاددان برجسته کشور از دکتر فاطمی و دکتر شایگان به عنوان چهره‌های انقلابی چپ کابینه دکتر مصدق نام می‌برد. (مصدق و حاکمیت ملت، محمد بسته نگار، انتشارات قلم، چاپ اول ۱۳۸۱/ص ۸۰۸) ضمناً شرط ملی بودن در تعریف دکتر مصدق اعتقاد به دو اصل استقلال و آزادی ایران است که شامل گرایش‌های بسیار زیاد اقتصادی، عقیدتی و... می‌گردد. مثلاً ملیون معتقد به سرمایه‌داری یا سوسیال دموکراسی و... قابل مثال زدن هستند.

^{۴۴} - سرمقاله دکتر فاطمی در باختر ۸ مرداد ۱۳۲۸

چنانکه در سرمقاله باختر با عنوان «یا مرگ یا آزادی» در ۸ مرداد ۱۳۲۸ ضمن تاکید بر دفاع از مصالح اقشار پابرهنه که در صفحات قبل ذکر شد، می‌نویسد:

"آن آزادی ایده‌آلی بشر که چند قرن است رفیق زندگی و سرچشمه سعادت اقوام متمدن جهان به شمار می‌آید برای مردم مملکت ما حکم خواب و خیال و وهم و تصور را پیدا کرده

...

در ایران بیشتر از هر جای دیگر شرق این بیعدالتی و غارتگری و تجاوز ریشه دوانیده"

یا همانگونه که ذکر شد در باختر امروز ۱۳ تیر ۱۳۲۸ تاکید می‌کرد آرزوی ملل کوچک آزادی و عدالت و اجرای اعلامیه حقوق بشر است. علاوه بر آن بعد از شهریور ۱۳۲۰ مدتی با حزب توده در جبهه آزادی همکاری کرد و بعد در سال ۱۳۲۳ در باختر ۹ آبان ضمن یادآوری همین مسئله، تاکید کرد با آنان دشمنی ندارد ولی:

"آروزها حزب توده رنگ یک حزب ملی را داشت و شعارش این بود که برای آزادی ملت و بر علیه استعمار مبارزه می‌کند اما امروز..."^{۴۵}

و در شماره ۱۳۲۳/۸/۱۱ به آنان هشدار می‌داد کاری نکنند مردم از آنان رانده شده و هر کس با آنان در مسائلی مخالفت کند، فاشیست نیست.^{۴۶} در دوران مبارزات جبهه ملی هم در سرمقاله باختر امروز ۱۳۲۹/۰۹/۰۸ در انتقاد از عملکرد حزب توده نوشته:

"کمال تأسف من اینست که عده‌ای از پاكترین و شریف‌ترین و منزه‌ترین جوانان ایرانی که هوس اصلاح و عظمت وطن را در سر میپورراندند و شور و اشتیاق فراوان برهائی کشور از چنگال دزدان و غارتگران دارند از این مانورهای سیاست‌های کهنه کار خدایان نفت گول میخورند و گمان دارند «کارل مارکس» یا «لنین» تعالیم عالی خود را در صفحات «بسوی آینده» نشر میدهند."

که این نوع گفتار با احترام درباره تعالیم مارکس و لنین نشانگر احترام وی به گرایش چپ است گرچه هرگز مارکسیست نبود. در عین حال این دیدگاه به منزله دشمنی بی قید و شرط وی با غرب و به خصوص آمریکا نبود. به عکس حتی مشابه سایر ملیون در اوائل کار علاقه فراوانی به آمریکا داشت^{۴۷} و بارها در باختر امروز از مبارزات و خوبی‌های مردم آمریکا تعریف می‌کرد.^{۴۸}

^{۴۵} - قلم و سیاست از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ج ۱، محمدعلی سفیری/ص ۱۲۲

^{۴۶} - همان

^{۴۷} - طبیعتاً موضع وی نیز به سان سایر ملیون بعدها با مشاهده دشمنی‌های آمریکا تغییر کرد.

^{۴۸} - باختر امروز ۱۳۲۸/۰۴/۱۳ + ۱۳۲۸/۰۶/۱۳ + ۱۳۲۸/۰۶/۲۷ و موارد مکرر دیگر

طرح ملی شدن نفت

انتخابات مجلس شانزدهم برگزار و انتخابات تهران به دلیل رسوائی باطل شد و در انتخابات بعدی دکتر مصدق و چند تن از یارانش در فروردین ۱۳۲۹ به نمایندگی از تهران به مجلس راه یافتند.^{۴۹} به این سان مبارزه بالا گرفت تا آنکه تیمسار «رزم‌آرا» رئیس ستاد ارتش در تیر ۱۳۲۹ با فشار بیگانگان به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد. ملیون نیز از اول کار به شدت در برابر رزم‌آرا و تمديد سلطه انگلیس بر نفت ایستادند و جنگ نفت شعله‌ورتر شد. باختر امروز هم کماکان در خطوط اولیه مبارزه قرار داشت. کار بدانجا رسید که حتی رزم‌آرا یک روز صبح شخصاً به منزل دکتر فاطمی رفت تا شاید او را آرام کند. اما دکتر فاطمی باز هم دکتر فاطمی ماند و خواهان آزادی مردم و مطبوعات شده^{۵۰} و از خط پیشوایش خارج نگردید.

در آن هنگام که مجادلات بر سر نفت در حال به بن‌بست رسیدن بود، دکتر فاطمی پیشنهادی را مطرح نمود که به روزگار خود غوغائی نه تنها در ایران که در جهان برپا کرد و خواهان قطع ریشه استعمار شد. دکتر مصدق در این باره می‌نویسد:

"ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور ابتکار شادروان دکتر حسین فاطمی است که چون کمیسیون نفت مجلس شورای ملی پس از چند ماه مذاکره و مباحثه نتوانست راجع باستیفای حق ملت از شرکت نفت انگلیس و ایران تصمیمی اتخاذ کنند دکتر فاطمی با من که رئیس کمیسیون بودم مذاکره نمود و گفت با وضعی که در این مملکت وجود دارد استیفای حق ملت کاری است بسیار مشکل، خصوصاً که دولت انگلیس مالک اکثریت سهام شرکت است و بعنوان مالیات بر درآمد هم هر سال مبلغ مهمی از شرکت استفاده میکند و من باب مثال در سال ۱۹۴۸ از شصت و یک میلیون لیره عوائد خالص شرکت نفت بدولت ایران که مالک معادن نفت است از بابت حق الامتیاز فقط نه میلیون لیره رسیده در صورتیکه دولت انگلیس بعنوان مالیات بر درآمد بیست و هشت میلیون لیره استفاده کرده است.

بنابراین اول باید در فکر آتیه بود که از مال ملت بیش از این سوءاستفاده نکنند و عوائد نفت هر چه هست نصیب ملت ایران بشود. سپس راجع بگذشته هر اقدامی ممکن باشد نمود، همانطور که کشور انگلیس بعضی از صنایع خود را ملی کرده است برای اینکه منافع آن نصیب ملت بشود ایران هم نفت خود را در سراسر کشور ملی کند تا دنیا بداند که نمایندگان جبهه ملی جز آسایش مردم چیزی نمیخواهند و با هیچ سیاستی سازش ندارند.

این پیشنهاد گذشته از اینکه مفید بود کار ما را نیز سهل میکرد و لازم نبود که اول بطلان قرارداد ۱۹۳۳ را که در زمان دولت دیکتاتوری و اختناق ملت ایران منعقد شده بود ثابت کنیم و بعد از شرکت نفت خلع ید نمائیم"

و بعد به خواست دکتر مصدق این پیشنهاد را در جلسه جبهه ملی مطرح نمود که مورد موافقت حضار قرار گرفت.^{۵۱} ملی شدن نفت هم نخستین بار در ۴ آذر ۱۳۲۹ در کمیسیون نفت مجلس مطرح شد.^{۵۲} بعد دکتر فاطمی در باختر امروز ۶ آذر ۱۳۲۹ ملی شدن نفت را به منزله «به دست آوردن حق حاکمیت و استقلال واقعی مملکت» مطرح کرده و می‌نوشت:

^{۴۹} - روز شمار تاریخ ایران، از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج اول، دکتر باقر عاقلی / ص ۴۳۱

^{۵۰} - زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، دکتر نصرالله شیفته / صص ۲۸۸-۲۹۰

^{۵۱} - خاطرات و تالمات دکتر محمد مصدق، دکتر محمد مصدق / صص ۲۲۹ و ۲۳۰

"باید بازیهای سیاسی نفتی‌ها خاتمه داده شود و پس از نیم قرن این دکان اعمال نفوذ و مرکز جاسوسی و سرچشمه بدبختی و زوال ایران برای همیشه بسته شود تا ملت ما بتواند در تمام شئون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی رشد پیدا کند و مثل ملل زنده دیگر معنی حیات آزاد و مستقل را بفهمد."

و حملات او در روزنامه‌اش ادامه داشتند چنانکه در ۲۹ آذر نوشت جنگ نفت شدیدترین مراحلش را طی می‌کند. مقارن این مسائل دکتر فاطمی در ۲۹ آذر ۱۳۲۹ توقیف و به زندان منتقل شد. اما این مسئله به همراه سایر برخوردها موجب اعتراضات گسترده مردم و مجلس شد.^{۵۳} دانشجویان در ۳۰ آذر تظاهرات مفصلی بابت ملی شدن نفت ترتیب دادند.^{۵۴} تعدادی از مدیران جراید در مجلس اعتصاب کردند و برخی نمایندگان هم به دولت حمله کردند که متعاقب آن دکتر فاطمی در ۲ دی ماه آزاد شد.^{۵۵} وی بلافاصله بعد از آزادی تاکید کرد تا آخرین نفس از منافع ملی دفاع خواهد کرد.^{۵۶} کما اینکه بعداً وقتی رزم‌آرا گفت ایرانیان توانائی اداره کردن صنایع نفت را ندارند، در ۵ دی ماه سرمقاله تندی علیه‌ش نوشت.^{۵۷}

در نهایت تظاهرات‌های مردمی و فشارهای گسترده جامعه روز به روز زمینه ملی شدن نفت را بیشتر تامین کرد. در عین حال دربار نظر منفی به رزم‌آرا داشت و حتی شاه خواهان انتصاب دکتر مصدق به جای او بود.^{۵۸} بعد رزم‌آرا در ۱۶ اسفند ترور شد و تا ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ ملی شدن نفت به تصویب نهائی مجالس رسید. به این ترتیب پیروزی بزرگی نصیب ملیون شد و در عین حال دوران جدیدی در فعالیت آنان آغاز شد.

معاون پارلمانی سیاسی نخست‌وزیر و سخنگوی دولت، نمایندگی مجلس هفدهم

با تصویب ملی شدن نفت و اوج گرفتن احساسات مردم، سرانجام دکتر مصدق به دلیل وضع بحرانی در اردیبهشت ۱۳۳۰ به نخست‌وزیری رسید. گوئی مقدر بود ایران طعم شیرین استقلال و دموکراسی را بچشد و الگویی برای آینده ایجاد گردد. دکتر فاطمی هم که در این زمان کمتر از ۴۰ سال داشت، در ۲۱ اردیبهشت به سمت معاونت پارلمانی و سیاسی نخست‌وزیر منصوب شد.^{۵۹} علاوه بر آن وی سخنگوی دولت شد و معمولاً همه روزه بعد از ظهرها یک ساعت کنفرانس مطبوعاتی داشت و اخبار روز

^{۵۲} - جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سرهنگ غلامرضا نجاتی، شرکت سهامی انتشار، چاپ هشتم ۱۳۷۸/ ص ۱۱۰ +

باختر امروز ۱۳۲۹/۰۹/۰۴ صص ۲۰۱

^{۵۳} - قلم و سیاست از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ج ۱، محمدعلی سفیری/ صص ۳۷۲-۳۷۳

^{۵۴} - روز شمار تاریخ ایران، از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج اول، دکتر باقر عاقلی/ ص ۴۱

^{۵۵} - قلم و سیاست از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ج ۱، محمدعلی سفیری/ صص ۳۷۲-۳۸۱

^{۵۶} - باختر امروز ۱۳۲۹/۱۰/۰۳

^{۵۷} - باختر امروز ۱۳۲۹/۱۰/۰۵

^{۵۸} - خاطرات و تالمات دکتر محمد مصدق، دکتر محمد مصدق/ صص ۳۶۱ و ۳۶۲

^{۵۹} - باختر امروز ۱۳۳۰/۰۲/۲۱/ ص ۴



را به اطلاع جراید می‌رساند و به سوالات پاسخ می‌داد.^{۶۰} طبیعتاً این اقدام گام ارزنده‌ای جهت شفاف سازی امور بود و به خصوص توانائی و صداقت دولت ملی را در پاسخ هر روزه به جراید نشان می‌داد.^{۶۱} نکته دیگری که نشانگر قصد واقعی خدمت دکتر فاطمی بود آن است که وی بعد از تشکیل دولت از یاران باختر امروز خواست تا همان رویه انتقادی گذشته را ادامه داده ولی در مسائل مهم سیاسی یا مواردی که اطلاع از آن لازم باشد، او را در جریان قرار دهند.^{۶۲}

گفتنی است انتصاب دکتر فاطمی به آن سمت اقدامی در نوع خود کم‌نظیر بود. به خصوص وی تجربه مدیریتی خاصی نداشت که همین موجب انتقادهائی شد؛ اما دکتر مصدق کاملاً از او حمایت می‌کرد.^{۶۳} همین مسئله به تنهائی نشان می‌داد دکتر مصدق تا چه حد به دکتر فاطمی اعتماد داشت و چه روابط نزدیکی بین اینان برقرار بود. نکته مهم‌تر آنجا است که از این زمان عیار بسیاری از اعضای جبهه ملی مشخص می‌شد و آنان که به دنبال مال و مقام آمده بودند، به مرور راه خود را جدا می‌کردند. همچنین اختلافات در جبهه ملی به طور طبیعی تشدید می‌شد و بیش از پیش نیاز به کسانی بود که به دنبال تقویت همبستگی باشند.

در ۲۹ خرداد دکتر فاطمی به نمایندگی از دولت اعلام کرد مطالب ارسالی شرکت نفت تا کنون مورد قبول نبوده است. در نتیجه دولت تصمیم گرفته همه جا نام شرکت سابق نفت انگلیس و ایران به «شرکت ملی نفت» تبدیل گردد. مامورین خلع ید تعیین شده‌اند و از این پس تمام تصمیمات شرکت نفت باید با تأیید هیئت مدیره موقت شرکت ملی نفت باشند. درآمدها هم به حساب شرکت ملی نفت واریز خواهند شد.^{۶۴} به این ترتیب در ۲۹ خرداد پرچم ایران بر فراز مرکز شرکت نفت به اهتزاز درآمد.^{۶۵} دکتر فاطمی حتی پیشنهاد لغو مجوز اقامت کارشناسان انگلیسی شرکت نفت را هم به مصدق ارائه داد که مورد قبول قرار گرفت^{۶۶} و آنان به مرور از ایران اخراج شدند. ضمناً باید به این نکته اشاره کرد که در ۳۰ خرداد اسنادی در خانه آقای

^{۶۰}- قلم و سیاست از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ج ۱، محمدعلی سفری/ص ۴۷۶ -- در روزنامه اطلاعات ۳۰/۰۵/۲۶ صفحه آخر هم مطلبی به نقل از دکتر فاطمی به عنوان سخنگوی دولت منتشر شده است. خود دکتر فاطمی هم در یادداشت‌هایش این مسئله را تأیید کرده است. (فصلنامه مطالعات تاریخی سال اول شماره اول، زمستان ۱۳۸۲/ص ۱۰۷)

^{۶۱}- سخنگوی دولت رزم‌آرا اعلام کرده بود پرسش‌ها را ۴۸ ساعت زودتر به وی بدهند. (زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، دکتر نصرالله شیفته/ص ۳۶)

^{۶۲}- قلم و سیاست از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ج ۱، محمدعلی سفری/ص ۴۶۴

^{۶۳}- سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی/ایران، رزا ناظم/صص ۱۰۹-۱۱۱

^{۶۴}- روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۳۰/۰۳/۲۹، ص ۶

^{۶۵}- روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۳۰/۰۳/۲۹، ص ۱

^{۶۶}- یادداشت‌های دکتر فاطمی در دوران مخفی شدن، مندرج در فصلنامه مطالعات تاریخی سال اول شماره اول، زمستان ۱۳۸۲/ص ۱۰۷

«سدان» از مقامات شرکت نفت کشف شد^{۶۷} که نشان می‌داد عمال انگلیس به شدت در تلاش بودند وجهه ملیون را تخریب کنند. از جمله مطالب فراوانی علیه دکتر فاطمی مبنی بر بی‌دینی و... او نگاشته بودند. به گفته او نکته جالب آنجا بود که نام پدرش «سیف العلماء» را در ترجمه مجدد از انگلیسی به فارسی، «شمشیر العلماء» نوشته بودند.^{۶۸}

باری پس از ملی شدن نفت، تحریم نفتی ایران و شکایت انگلیس به شورای امنیت و دادگاه بین‌المللی لاهه آغاز شد. دکتر مصدق هم در ۱۴ مهر ۱۳۳۰ به همراه هیئتی به آمریکا رفت تا در سازمان ملل متحد از حقوق ایران دفاع کند.^{۶۹} در آن زمان دکتر حسین فاطمی سخنگوی هیئت نمایندگی ایرانی شد و روزانه خبرنگاران زیادی را به حضور می‌پذیرفت و تلاش می‌کرد حقانیت ملت ایران را به جهانیان نشان دهد.^{۷۰} دکتر غلام‌حسین مصدق فرزند دکتر مصدق تاکید می‌کند که دکتر فاطمی با صمیمیت زیادی در هیئت ایرانی فعالیت می‌کرد در حالیکه برخی فقط سیاهی لشکر بودند.^{۷۱} بدین سان مبارزه بی‌امان ملیون و باختن امروز علیه استعمار انگلیس ادامه داشت. حتی در ۱ بهمن ۱۳۳۰ تمام کنسولگری‌های انگلیس در سراسر ایران برچیده شدند^{۷۲} و اعتراض انگلیس^{۷۳} سودی نبخشید.

لازم به ذکر است که دکتر فاطمی از چند ماه آخر دولت رزم‌آرا با اطلاع جبهه ملی با شاه ارتباط پیدا کرده بود. با شروع دولت مصدق هم به شاه اطمینان می‌داد که مصدق مرد با شرف و قابل اطمینانی است و تلاش می‌کرد نگرانی احتمالی شاه را از قدرت گرفتن ملیون رفع کند. حتی از دکتر مصدق خواست در انتخاب وزیر جنگ با شاه مشورت کند. زمانی هم که شاه از ملی شدن نفت به دلیل اقدامات بعدی انگلیس ابراز نگرانی و ترس می‌کرد، دکتر فاطمی به داستان خواجه نصیر و خلیفه عباسی اشاره کرده و می‌گفت ما به تدریج شرکت نفت را لای نمد می‌مالیم، اگر اتفاق خطرناکی افتاد که او را رها خواهیم کرد و گرنه به مرور لای نمد جان خواهد داد.^{۷۴} به این ترتیب وی در اوائل دولت مصدق رابطه خوبی با شاه داشت و تلاش می‌کرد حمایت شاه را برای نهضت ملی جلب کند. مثلاً هنگامی که شاه در تیر ۱۳۳۰ عمل جراحی کرد، دکتر فاطمی به نمایندگی از مصدق به دیدارش رفت.^{۷۵}

^{۶۷} - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۳۰/۰۳/۳۰، ص ۱ آخر

^{۶۸} - با چشمی‌گریان تقدیم به عشق، مهندس لطف الله میثمی، انتشارات صمدیه، چاپ دوم ۱۳۸۶ با ویرایش دوم/صص ۹۳ و ۹۴ -- نقل از خاطرات و دست‌نوشته‌های دکتر فاطمی

^{۶۹} - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۳۰/۰۷/۱۴، ص ۱

^{۷۰} - با چشمی‌گریان تقدیم به عشق، مهندس لطف الله میثمی/ص ۱۱۳ -- نقل از دفاعیات دکتر فاطمی در دادگاه نظامی

^{۷۱} - در کنار پدرم؛ مصدق، خاطرات غلامحسین مصدق، ویرایش و تنظیم غلامرضا نجاتی، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول ۱۳۶۹/ص ۹۱

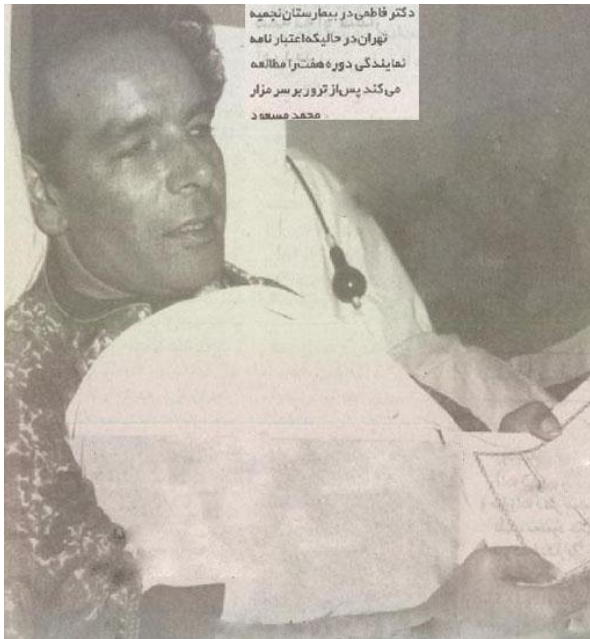
^{۷۲} - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۳۰/۱۰/۳۰-ص ۸ و ۱۳۳۰/۱۱/۰۱، صص ۷ و آخر

^{۷۳} - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۳۰/۱۰/۲۵، ص ۸

^{۷۴} - با چشمی‌گریان تقدیم به عشق، مهندس لطف الله میثمی/صص ۸۰ و ۸۱ -- نقل از خاطرات و دست‌نوشته‌های دکتر فاطمی

^{۷۵} - باختن امروز ۱۳۳۰/۰۴/۱۰ -- ص ۴

دکتر فاطمی در ۲۶ آذر ۱۳۳۰ به دلیل نامزدی مجلس هفدهم از سمت خود استعفا داد.^{۷۶} او در نامه استعفایش به دکتر مصدق تاکید کرد افتخار خدمتگزاری در ۷ ماه و چند روز گذشته تحت نظر پیشوای محبوبش از گران‌بهاترین لحظات عمرش بوده است.^{۷۷} در ۱ بهمن رای‌گیری انتخابات مجلس تهران آغاز شد^{۷۸} که در ۱۸ بهمن نتایج اعلام و دکتر فاطمی کاندیدای جبهه ملی به عنوان نماینده مردم تهران انتخاب گردید.^{۷۹}



دکتر فاطمی در بیمارستان نجمیه
تهران در حالیکه اعتبار نامه
نماینده‌گی دوره هفتم را مطالعه
می‌کند پس از ترور پسر مزار
محمد مسعود

ترور نافرجام

سرانجام آنچه قابل پیش‌بینی بود به وقوع پیوست. روز ۲۵ بهمن ۱۳۳۰ زمانی که دکتر فاطمی برای سخنرانی بزرگداشت محمد مسعود به سر مزارش رفته و مشغول سخنرانی بود، ناگهان صدای گلوله‌ای سخنانش را قطع و او را نقش بر زمین نمود. گلوله به بالای شکمش اصابت کرد و اطرافیان و همکارانش همچون «محمدعلی سفری» و «نصرالله شیفته» به سرعت او را به سمت بیمارستان بردند. او در راه هم با لبخندی به اطرافیان می‌گفت «دیدید بالاخره انگلیسی‌ها مرا کشتند؟» و تاکید می‌کرد چه زنده بماند و چه نماند، تنها خواسته‌اش این است که باختر امروز

کماکان با همین سبک و روش انتشار یابد و چراغی را که با خون دل روشن نگه داشته خاموش نشود. زخمی به بیمارستان نجمیه منتقل و عمل شد و مشخص شد گلوله فقط به روده بزرگ او آسیب رسانده است. وی سرانجام حدود ساعت ۹ شب به هوش آمد و توانست چند کلمه‌ای صحبت کند و با خنده گفت مثل اینکه انگلیسی‌ها^{۸۰} در تیراندازی هم ناشی هستند. ولی اثرات این سوءقصد تا آخر زندگی کوتاه دکتر فاطمی با او بود^{۸۱} ضمناً وی در بیمارستان هم با سوختگی شدید ماهیچه پا مواجه شد که آن هم ناراحتی او را تشدید کرد.^{۸۲}

^{۷۶}- سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران، رزا ناظم/ص ۱۵۶ به نقل از باختر امروز ۱۳۳۰/۰۹/۲۶

^{۷۷}- قلم و سیاست از شهریور ۱۳۳۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ج ۱، محمدعلی سفری/صص ۵۷۰ و ۵۷۱

^{۷۸}- روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۳۰/۱۱/۰۱، ص ۱

^{۷۹}- روز شمار تاریخ ایران، از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج اول، دکتر باقر عاقلی/ص ۴۶۱

^{۸۰}- اشاره به این نکته لازم است که «مهدی عراقی» از رهبران فدائیان اسلام به مهندس سحابی گفته بود عامل اصلی تحریک ترور دکتر فاطمی فردی به نام «ابراهیم صرافان» از نزدیکان سیدضیاءالدین طباطبائی و به تبع وابسته به انگلیس بوده است. وی سلاح هم در اختیار واحدی گذاشت که عملاً منشاء تمام کارها از سیدضیاءالدین طباطبائی بوده است. (جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سرهنگ غلامرضا نجاتی/ص ۹۱) اما عراقی در خاطرات منتشر شده‌اش این مطلب را ذکر نکرده که احتمالاً نمی‌خواسته این ننگ بیشتر علنی گردد.

^{۸۱}- قلم و سیاست از شهریور ۱۳۳۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ج ۱، محمدعلی سفری/صص ۵۷۶-۵۸۱

^{۸۲}- نشریه چشم انداز ایران اسفند ۱۳۸۵ و فروردین ۱۳۸۶/ص ۵ به نقل از دفاعیه دکتر فاطمی که توسط آقای «احمد صدر حاج‌سیدجوادی» در گفتگو با خانم «ندا حریری» منتشر شده است.



لازم به ذکر است که ضارب نوجوانی حدود ۱۶ ساله به نام «محمد مهدی عبد خدائی» عضو فدائیان اسلام بود که با یک «کلت» تیراندازی کرده بود.^{۸۳} عجیب آنکه همان شب رادیو بی.بی.سی خبر از دستگیری قاتل می‌داد که موجب نگرانی فراوانی بین برخی دوستداران ملیون شده بود. عبد خدائی هم دلیل ترور را مخالفت دولت مصدق و افرادش با اسلام عنوان می‌کرد.^{۸۴} ضمناً پدر ضارب در همان موقع ضمن مصاحبه‌ای اعلام کرد فرزندش ۴ کلاس درس خوانده و ترک تحصیل نموده و بعد مدتی شاگردی مغازه کرده و سپس به تهران رفته است. تاکید هم می‌کرد درآمد و شرایط وی به شکلی نبوده بتواند سلاح تهیه کند و آلت دست مغرضان واقع شده و به شدت از عمل فرزندش ابراز تأسف می‌کرد.^{۸۵}

دکتر فاطمی اعتبارنامه نمایندگی مجلس هفدهم را فروردین ۱۳۳۱ در بیمارستان تحویل گرفت.^{۸۶} او بعد از حدود ۴۵ روز در ۹ فروردین ۱۳۳۱ توانست اولین سرمقاله باختر امروز بعد از ترورش را به نگارش درآورد و باز بر عزم راسخ در ادامه راه تاکید کرد که بخش‌های از آن چنین است:

«کشته شدن در راه نجات یک ملت بزرگ‌ترین سرمایه افتخار است

...

تنها آتش مقدسی که باید در کانون سینه هر جوان ایرانی همیشه زبانه بکشد این آرزو و ایده آل بزرگ و پاک است که جان خود را در راه رهائی جامعه و نجات ملت خود از چنگال فقر و بدبختی، ظلم و جور بگذارد.

^{۸۳}- قلم و سیاست از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ج ۱، محمدعلی سفری/ص ۵۸۱

^{۸۴}- نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی، علی رهنما، نشر گام نو، چاپ اول ۱۳۸۴/ص ۳۶۲ نقل از روزنامه اطلاعات ۲۷ بهمن ۱۳۳۰/ص ۵۱- اشاره به این نکته لازم است که دلایل اصلی این ترور هنوز مقداری مبهم است و حتی مباحثی مبنی بر دخالت عوامل انگلیس در آن به میان آمده ولی سندیت کافی ندارند. عبد خدائی عامل ترور در خاطراتش توضیحات مناسبی بابت دلیل ترور نداده است. وی حتی بعد از حدود ۶۰ سال منکر ترور و مدعی شد گلوله به کیف دکتر فاطمی و نه خودش اصابت کرده که کذب بودن آن با توجه به مجموع اخبار روشن است. در هر حال بدیهی است که این ترور در آن مقطع دقیقاً در راستای منویات استعمار انگلیس بوده ولو هر کس به هر دلیل آن را انجام داده است. ضمناً در آن دوران دولت مصدق برخی فدائیان اسلام را به زندان انداخت و برخوردهائی رخ داد که طبق خاطرات «مهدی عراقی» آنان این کار را به دکتر فاطمی منتسب کرده بودند که این هم شاید در تحریک فدائیان موثر بوده است. گرچه برخی سران فدائیان اسلام با آن ترور مخالف بودند. (ناگفته‌ها، خاطرات شهید حاج مهدی عراقی، به کوشش محمود مقدسی، مسعود دهشور، حمیدرضا شیرازی، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول ۱۳۷۰/ص ۱۱۶ و ۱۲۳) کلاً بحث نوع تعامل نیروهای مذهبی با دکتر مصدق بحث مجزائی دارد که در رویکردهای دکتر مصدق به اسلام و نیروهای مذهبی بررسی خواهد شد. فقط اشاره به این نکته لازم است که بعضاً این بحث مطرح می‌گردد این کار برای ایجاد اختلاف بین شاه و مصدق بود که دکتر فاطمی رابط بود. این دروغ هم بسیار روشن است زیرا رئیس دولت دکتر مصدق بوده و روال را او تعیین می‌کرد.

^{۸۵}- بیاد شهید دکتر سیدحسین فاطمی، محمد ترکمان، نشر هزاران، چاپ اول ۱۳۷۴/ص ۲۴-۲۷ نقل از مجله خواندنیها، ش ۵۵ س ۱۲ به نقل از روزنامه خراسان + باختر امروز ۱۳۳۱/۰۱/۱۴

^{۸۶}- خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، بهرام افراسیابی/ص ۱۸۷

...
امروز نیز مثل همیشه در راه مبارزه بی باکتر، جسورتر، صریحتر از همه وقت آماده و حاضر برای هر گونه
فداکاری و جانبازی هستیم.

...
این گلوله ایتلیجنت سرویس بر پایداری و استقامت من صد چندان افزود و مرا در راه خدمت بمیهن
عزیزم سرسخت تر و آهنین تر و فداکارتر نمود."

وی بعد از آن تا ۲۶ اردیبهشت ۱۳۳۱ در بیمارستان نجمیه بود.^{۸۷} مجدداً در ۷ خرداد به همراه دکتر مصدق و هیئت همراه به سمت هلند رفت^{۸۸} چون مقرر بود برای ادامهٔ معالجه به آلمان رود.^{۸۹} در آلمان هم هر از گاهی موضع گیری می کرد چنانکه می گفت ملتی که از خون بترسد لایق آزادی و استقلال نیست.^{۹۰} وی پس از حدود ۴ ماه پیامهائی از شاه دریافت کرد که زودتر به کشور برگردد. عجباً که حتی همسر باردارش را با کمال نگرانی به زایشگاهی در سوئیس منتقل کرد^{۹۱} و در ۱۲ مهر ۱۳۳۱ به تهران بازگشت.^{۹۲}



دکتر سیدحسین فاطمی، وزیر خارجه و سخنگوی دولت

وزیر امور خارجه و سخنگوی دولت

بازگشت دکتر فاطمی به ایران پس از قیام ۳۰ تیر و به قدرت رسیدن مجدد دکتر مصدق بود. تا آن زمان حدود ۱۷ ماه مذاکرهٔ دولت مصدق و انگلیس بر سر نفت بی نتیجه مانده و تحریکات مکرر انگلیس علیه دولت ادامه داشتند. به این لحاظ دکتر مصدق در صدد قطع رابطه با انگلیس برآمد. این مهم نیز طبیعتاً نیاز به وزیر امور خارجهٔ مقتدری داشت و باز دکتر فاطمی در خط مقدم توجه قرار گرفت. البته دکتر فاطمی از نظر جسمی بسیار رنجور بود و پزشکان به او توصیه کرده بودند روزی بیش از دو ساعت کار نکند.^{۹۳} عهده داری وزارت خارجه هم در آن مقطع بحرانی در حال مبارزه با استعمار، کاری بسیار سنگین بود. پس طبیعی بود که

^{۸۷} - باختر امروز ۱۳۳۱/۰۲/۲۷

^{۸۸} - باختر امروز ۱۳۳۱/۰۳/۰۷ ص ۷

^{۸۹} - باختر امروز ۱۳۳۱/۰۳/۰۶

^{۹۰} - باختر امروز ۱۳۳۱/۰۵/۰۸

^{۹۱} - نشریهٔ چشم انداز ایران اسفند ۱۳۸۵ و فروردین ۱۳۸۶ ص ۶

^{۹۲} - روزنامهٔ اطلاعات مورخ ۱۳۳۱/۰۷/۱۲، ص آخر

^{۹۳} - با چشمی گریان تقدیم به عشق، مهندس لطف الله میثمی / ص ۱۰۹ -- نقل از دفاعیات دکتر فاطمی در دادگاه نظامی + باختر امروز

۱۳۳۲/۰۳/۱۰

نهایت فعالیت دکتر فاطمی در همان نمایندگی مجلس باشد اما او با تاکید بر اطاعت از اوامر پیشوایش نوشت:

"هنوز پس از هشت ماه بهبودی کامل نیافته و وضع مزاجیم اجازه کار پرزحمت و سنگین را نمی‌دهد و تا مدتی نیازمند استراحت و گذرانیدن دوره نقاهت هستم، اما برای من زندگانی وقتی ارزش دارد که در حدود توانائی ام به هم‌وطنانم خدمتی کرده باشم و اگر میسر باشد گرهی از کار فروبسته مردم و مملکت بگشایم."^{۹۴}

در نتیجه در ۱۹ مهر ۱۳۳۱ به سمت وزیر امور خارجه و سخنگوی دولت تعیین شد.^{۹۵} بعد ایران در ۲۴ مهر قطع رابطه سیاسی با انگلیس را اعلام کرد.^{۹۶} به این ترتیب استعمار پیر انگلیس با خواری مجبور به ترک ایران شد و از آن پس قدرت اعمال نفوذ مستقیم آن در ایران بسیار کاهش یافت. همچنین دکتر فاطمی در صدد بود وزارت امور خارجه را که جایگاه هزار فامیل و مزدوران بیگانه بود، تا حد ممکن پاکسازی نماید و یک سری اصلاحات کلی انجام دهد.^{۹۷} (هرچند فرصتش را نیافت) اشاره به این نکته لازم است که در دوره دوم دولت مصدق نفاق‌های درونی ملیون تا حدی علنی و در حال افزایش بودند. دکتر فاطمی از گذشته هم همواره برای ایجاد انسجام جبهه ملی تلاش می‌کرد چنانکه در خاطراتش نوشته حتی در مواردی به مکی التماس کرده تا نفاق رخ ندهد.^{۹۸} طبیعتاً باز همان روند را ادامه می‌داد چنانکه در سخنرانی ۲۷ مهر ۱۳۳۱ در مجلس می‌گفت:

"مجال بدهید از سنگری که مرا مأمور کرده‌اند برگردم آن وقت حسین فاطمی را قطعه قطعه کردن هیچ مانعی ندارد. باید هزارها مثل او را فدای مملکت کرد. اما نباید کاری کرد که مملکت قطعه قطعه بشود. بایستی تمام آن کسانی را که در سیاست خارجی با ما کار دارند این را بدانند که وقتی پای مملکت در میان است تمام ملت ایران پشت سر هم ایستاده‌اند..."^{۹۹}

در عین حال دولت ملی راهش را در احیای استقلال کامل و اقتصاد بدون نفت قاطعانه ادامه می‌داد. در مراحل نهائی نوبت برچیده شدن امتیاز استعماری شیلات شمال بود که در اختیار دولت شوروی قرار داشت و دکتر مصدق خواهان اتمام آن بود و همان را به سفیر شوروی اعلام کرد. وزارت خارجه هم در ۱۱ بهمن ۱۳۳۱ قاطعانه پایان زمان فعالیت شرکت شیلات دولت شوروی را اعلام نمود.^{۱۰۰} دکتر «آذر» در این باره در خاطراتش ذکر می‌کند که دکتر فاطمی چگونه در جلسات هیئت دولت پیگیر ملی شدن شیلات بود^{۱۰۱} و سرانجام در ۱۲ بهمن تابلو شرکت سابق شیلات برداشته شد.^{۱۰۲} به این ترتیب عملاً در بهمن

^{۹۴} - سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران، رزا ناظم/ ص ۱۸۹ به نقل از باختر امروز ۱۹ مهر ۱۳۳۱

^{۹۵} - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۳۱/۰۷/۱۹، ص آخر

^{۹۶} - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۳۱/۰۷/۲۴، صص ۱ و آخر

^{۹۷} - سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران، رزا ناظم/ ص ۲۰۷ به نقل از باختر امروز ۱۲ فروردین ۱۳۳۰

^{۹۸} - با چشمی گریان تقدیم به عشق، مهندس لطف الله میثمی/ صص ۸۹-۹۰ -- نقل از خاطرات دکتر فاطمی

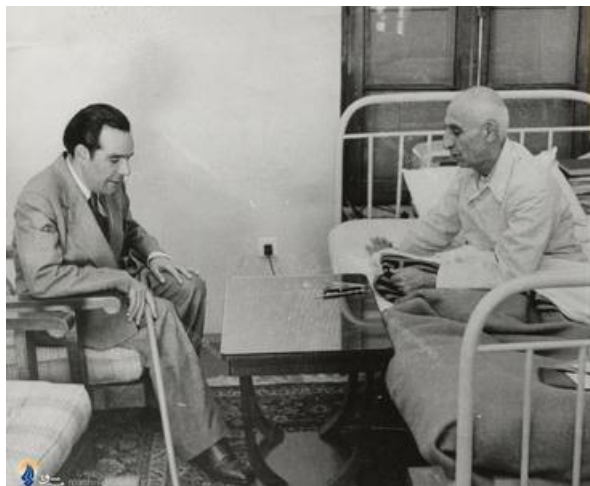
^{۹۹} - سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران، رزا ناظم/ صص ۱۹۱-۱۹۲ نقل از مذاکرات مجلس شورای ملی

^{۱۰۰} - سیدحسین فاطمی و تحولات سیاسی ایران، رزا ناظم/ صص ۲۱۵ و ۲۱۶ - باختر امروز ۱۱ بهمن ۱۳۳۱

^{۱۰۱} - یادنامه بمناسبت گذشت یک ربع قرن از شهادت دکتر سیدحسین فاطمی، نشریه شماره ۷ انتشارات جبهه ملی ایران/ ص ۸۸

۱۳۳۱ تمام امتیازات استعماری از ایران برچیده شدند و کشور طعم شیرین استقلال کامل را تجربه می‌کرد.^{۱۰۳} دکتر فاطمی هم تاکید می‌کرد سیاست خارجی دولت دکتر مصدق بر مبنای احترام و دوستی متقابل استوار است و خواهان آن بود که دول بزرگ بگذارند ایران رویه بی‌طرفی خود را حفظ کند.^{۱۰۴}

باری شیرینی بهمن ۱۳۳۱ تا حدی در ۹ اسفند به تلخی گرائید. آن روز قرار بود شاه محرمانه به سفر خارج از کشور برود اما هنگامی که مصدق برای بدرقه شاه به کاخ رفت با هجوم اوباش مواجه شد. آنان حتی به درب منزل مصدق حمله کردند تا جائی که بیم قتل او می‌رفت. آن هنگام دکتر فاطمی به همراه «سرتیپ افشارطوس» رئیس شهربانی کل کشور در کنار مصدق بودند. آنان به همراه مصدق با نردبانی به باغ مجاور و بعد مجلس رفتند.^{۱۰۵} سپس دکتر فاطمی تا شب و رفع کامل خطر همراه مصدق



و حتی در اطراف منزل او بود.^{۱۰۶} آن حادثه هم تا حدی صف دربار و دولت را جدا کرد هرچند باز روال امور کشور به شکلی مشابه قبل طی می‌شد. در همان حال دکتر فاطمی حدود یک هفته بعد از ماجرا به نزد شاه رفته و به صراحت شاه را مقصر اصلی آن حادثه اعلام کرد. حتی سرنوشت فاروق دیکتاتور مصر را برای او مثال زد که تا توانست نوکری انگلیس را کرد و بعد تاج و تختش را از دست داد.^{۱۰۷}

به هر روی اسفند به پایان خود نزدیک شد و در ۲۰ آن ماه دادگاه ایتالیا رای خود بابت فروش نفت را به نفع ایران صادر کرد.^{۱۰۸} به این

ترتیب عملاً بن بست نفتی شکسته شد و این یکی از بهترین اتفاقات برای ملیون بود. ولی در همان حال آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا در ۱۱ مارس ۱۹۵۳ (۲۱ اسفند ۱۳۳۱) دیگر موضع منفی علیه توافق نفتی با ایران گرفت.^{۱۰۹} طبق گزارش «ویلبر» بابت کودتا، از همین ماه مارس هم اقدامات سازمان سیا برای برکناری دکتر مصدق آغاز شد. به این ترتیب دوران پرتنش دیگری آغاز شد.

^{۱۰۲} - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۳۱/۱۱/۱۲، ص ۱

^{۱۰۳} - بعد از شهریور ۱۳۲۰ در ایران سه امتیاز مهم استعماری نفت جنوب، شیلات شمال و بانک شاهنشاهی انگلیس وجود داشت. (رجوع شود به: اقتصاد بدون نفت/ ابتکار بزرگ دکتر مصدق، دکتر انور خامه‌ای، انتشارات ناهید، چاپ دوم ۱۳۷۵ / صص ۳۵-۴۳) نفت جنوب و شیلات در دولت دکتر مصدق ملی شدند و دولت بانک شاهنشاهی انگلیس را هم در ۸ مرداد ۱۳۳۱ تعطیل کرد. (اطلاعات ۱۳۳۱/۰۵/۰۹)

^{۱۰۴} - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۳۲/۰۵/۲۱، ص ۱

^{۱۰۵} - قلم و سیاست از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ج ۱، محمدعلی سفری / صص ۷۴۴-۷۵۰

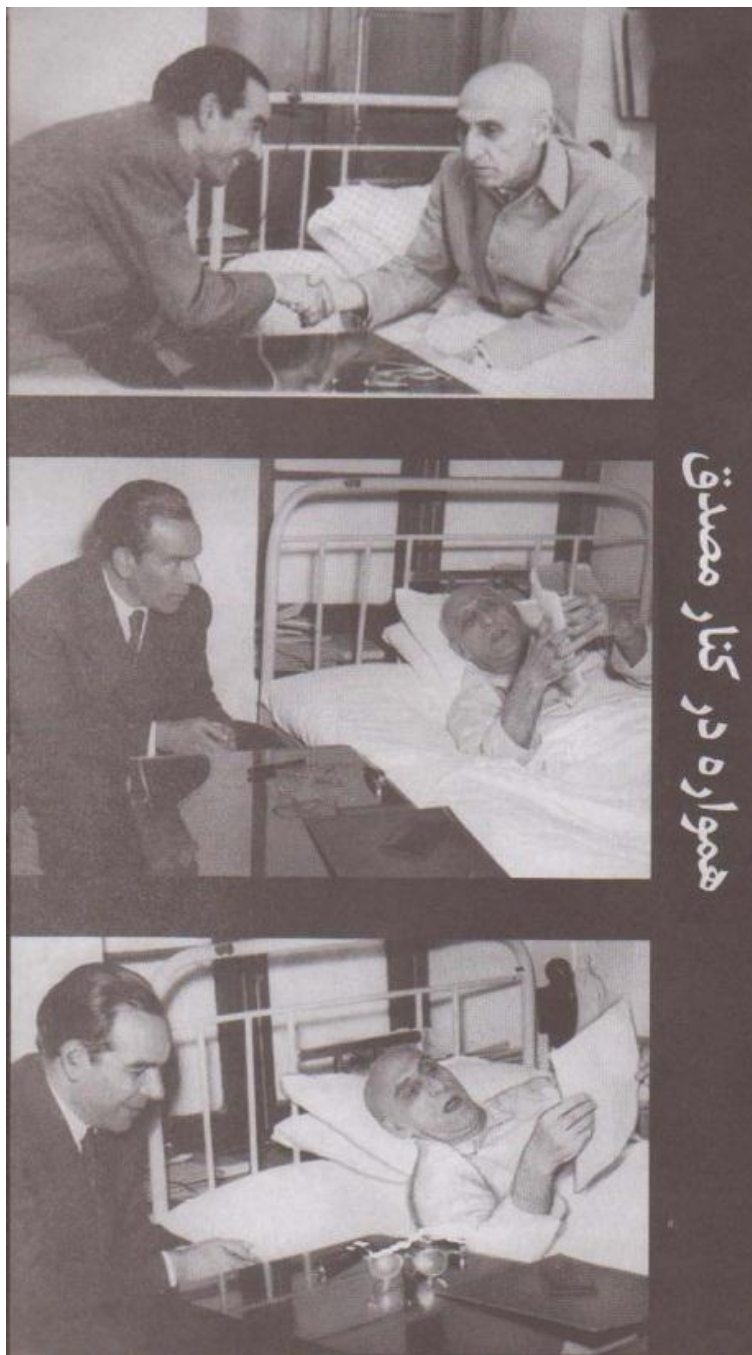
^{۱۰۶} - نشریه چشم انداز ایران اسفند ۱۳۸۵ و فروردین ۱۳۸۶ / ص ۶

^{۱۰۷} - سرمقاله باختر امروز ۱۳۳۲/۰۵/۲۵ با عنوان این دربار شاهنشاهی روی دربار سیاه فاروق را سفید کرد.

^{۱۰۸} - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۳۱/۱۲/۲۰، ص ۱

^{۱۰۹} - پنج دهه پس از کودتا/ اسناد سخن می‌گویند ج ۲، پژوهش و برگردان احمدعلی رجائی و مهین سروری (رجائی)، انتشارات قلم، چاپ اول ۱۳۸۳ / ص ۱۱۳۷ به نقل از گفتگوهای یکصد و سی و ششمین نشست شورای امنیت ملی در واشنگتن

دکتر فاطمی در پنج ماه اول سال ۱۳۳۲ تا قبل از کودتا



همواره در کنار مصدق

شرایط دولت ملی با شروع سال ۱۳۳۲ رو به بهبود و عملاً آخرین سنگرها در حال فتح بودند. اما همزمان توطئه‌های مخفیانه برای براندازی دولت در حال افزایش بودند. در همین راستا به خصوص تلاش برای ایجاد تفرقه بین ملیون بسیار شدید شد و برخی مبارزان قدیم به صف دشمنی با دولت مصدق رفتند. حتی بقائی جنایت ربودن و قتل رئیس شهربانی افشارطوس را در اوائل اردیبهشت ۱۳۳۲ مدیریت کرد. بعد تلاش‌هایی برای ترور دکتر فاطمی صورت گرفت^{۱۱۰} که به دلیل هوشیاری دولت عملی نگردید و کلاً بعد از ترور افشارطوس تا ۲۸ مرداد، فرد دیگری از یاران دکتر مصدق ترور نشد. به عنوان مثال دکتر فاطمی در اردیبهشت برای مراسم تاجگذاری شاه عراق به آن کشور سفر کرد که به سرعت تلگرافی از دکتر مصدق به او رسید که رایندگان افشارطوس قصد داشتند وزیر خارجه و رئیس ستاد ارتش را نیز به همان سرنوشت دچار کنند. و چون دکتر فاطمی به عراق رفته قصد دارند او را همانجا ترور کنند و لذا مراقبت بیشتری از پلیس خواسته شده بود.^{۱۱۱} ضمناً خوب است به این نکته هم اشاره کنیم که دکتر فاطمی صریحاً به دولت عراق پیغام داده بود چنانچه پسر شیخ بحرین در جلسه تاجگذاری شرکت کند، بلادرنگ بغداد را ترک خواهند کرد.^{۱۱۲} که تأکیدی بر تلاش در راه تمامیت ارضی ایران بود.

^{۱۱۰} - سوداگری با تاریخ، محمد امینی، نشر شرکت کتاب (آمریکا)، چاپ نخست ۱۳۹۱/صص ۳۱۸ و ۶۵۶ (تصویر سند) که در آنجا اسم دکتر فاطمی به عنوان یکی از کسانی که باید کشته شوند، ذکر شده است. در کتاب نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی، ص ۴۳۶ و ... هم به تلاش‌های بقائی برای ترور فاطمی اشاره شده که البته مأموران آن مسائل را زیر نظر داشتند.

^{۱۱۱} - نشریه چشم انداز ایران اسفند ۱۳۸۵ و فروردین ۱۳۸۶/صص ۶ و ۷

^{۱۱۲} - باختر امروز ۱۳۳۲/۰۲/۱۶، ص آخر

پس از آن در ۹ خرداد ۱۳۳۲ یک قطعه نشان همایونی درجه اول از طرف شاه به دکتر فاطمی اهدا شد.^{۱۱۳} اما دکتر فاطمی



در تمام این موارد دمی از مرادش جدا نشد و در بازی روزگار نیک نامی را برگزید. در همان خرداد ۱۳۳۲ اثرات ناشی از گلوله به همراه کار زیاد بر وخامت حال دکتر فاطمی افزودند و پزشکان به وی توصیه کردند به بیمارستان هامبورگ رود.^{۱۱۴} به این ترتیب وی در ۱۰ خرداد به سمت اروپا حرکت کرد^{۱۱۵} و مدتی بعد در بیمارستان هامبورگ آلمان بستری شد.^{۱۱۶} او در آنجا خوشبینی خاص خود بابت شرایط ایران را داشت و در مصاحبه‌ای اعلام کرد کشور در گذشته به دلیل قطع درآمد نفت مقداری

مشکل داشت. اما اکنون با افزایش درآمد و سایر منابع این مشکل حل شده و بودجه کشور تقریباً متعادل است. همچنین فعلاً به دو کشور ایتالیا و ژاپن نفت فروخته می‌شود.^{۱۱۷} ولی واقعیت این بود که در همان دوران بحران در حال تشدید بود و حتی



دکتر مصدق به ناچار در ۱۲ و ۱۹ مرداد فراندومی برای تثبیت دولت برگزار کرد که با اکثریت قاطع پیروز شد.

در این زمان معالجه دکتر فاطمی به پایان نرسیده بود ولی شرایط کشور حساس و مذاکرات مرزی حل اختلاف با شوروی آغاز شده بود. دکتر فاطمی هم بعد از دریافت چند تلگراف از دکتر مصدق استنباط کرد که پیشوا مایل است وی زودتر به کشور مراجعه کند. در نتیجه در حالی که طبق دستور پزشکان باید ۴ هفته دیگر هم استراحت می‌کرد و حتی با وجود کسالت همسرش^{۱۱۸}، خود را در ۲۰ مرداد به کشور رساند.^{۱۱۹} گوئی تقدیر تصمیم خاصی برای او داشت.

^{۱۱۳} - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۳۲/۰۳/۰۹، ص ۱

^{۱۱۴} - باختر امروز ۱۳۳۲/۰۳/۰۶ - ص ۱

^{۱۱۵} - باختر امروز ۱۳۳۲/۰۳/۱۰

^{۱۱۶} - باختر امروز ۱۳۳۲/۰۵/۰۵

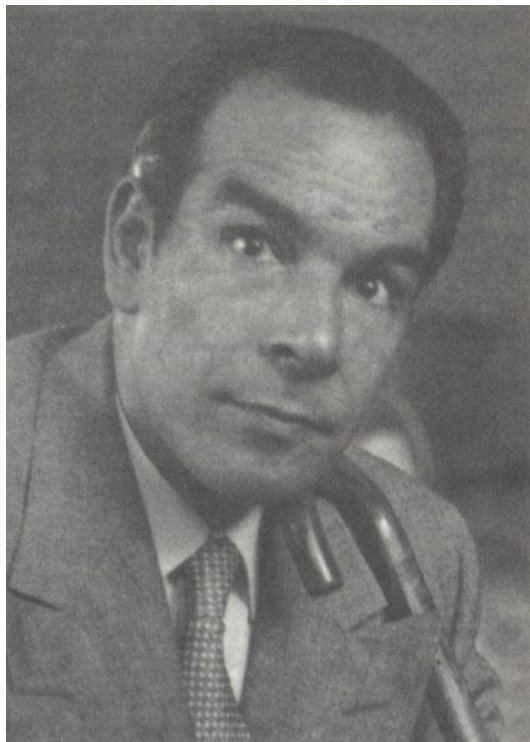
^{۱۱۷} - روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۳۲/۰۵/۰۷، ص ۷

^{۱۱۸} - یادنامه بمناسبت گذشت یک ربع قرن از شهادت دکتر سیدحسین فاطمی، نشریه شماره ۷ انتشارات جبهه ملی ایران/ ص ۶۷

^{۱۱۹} - باختر امروز ۱۳۳۲/۰۵/۲۰

از کودتای اول تا پیروزی کودتای ۲۸ مرداد

سرانجام آنچه نباید می‌شد به وقوع پیوست و شاه تسلیم فشار بیگانگان برای کودتا علیه نهضت ملی شد. افراد گارد شاهنشاهی از ساعت یازده و نیم شب ۲۴ مرداد به منزل دکتر فاطمی ریخته و او را که در حال مسواک زدن بود در حین نگرانی شدید همسرش^{۱۲۰} و بدون آنکه حتی کفش به پا کند، با خود بردند. تعداد زیادی هم نیروی مسلح در منزل باقی ماندند. ولی از آن سو هوشیاری و مقاومت دکتر مصدق و گارد محافظ نخست‌وزیر بقیه نقشه کودتاچیان را خنثی کرد و برخی افراد مهاجم دستگیر شدند. در نتیجه کودتا تا صبح شکست خورد و بازداشت شدگان خلاص گردیدند.^{۱۲۱}



گفتنی است دکتر فاطمی کلاً مقداری عصبی بود.^{۱۲۲} در آن زمان نیز به شدت مشغول فعالیت بابت رفع اختلافات مرزی ایران و شوروی بود چنانکه همان شب ۲۴ مرداد حدود ۱۱ شب به منزل رسیده بود. معالجاتش را هم که ناتمام گذاشته بود که به تبع در کنار کار فراوان، تأثیر منفی در وضع جسمی و ضعف اعصاب او داشت. از آن سو یورش ماموران به شکل زنده‌ای بود و او طبق لایحه دفاعیه‌اش به شدت از شیون همسر و کودکش هنگام دستگیری‌اش ناراحت شده بود. حتی به حدی که بعد از آن واقعه دیگر به آن منزل نرفت و همان شیون همسر و کودکش آخرین خاطره وی از آن خانه بود.^{۱۲۳} همسر دکتر فاطمی هم در بازجوئی به رفتار بسیار بد ماموران تأکید کرده^{۱۲۴} و این مسئله

^{۱۲۰} - دکتر فاطمی در دوران معاونت پارلمانی سیاسی نخست‌وزیر با خانم «پریوش سطوتی» ازدواج کرد. (مصاحبه خانم سطوتی) تاریخ ازدواج آنان هم طبق لایحه دفاعیه دکتر فاطمی باید حدود اواخر آذر ۱۳۳۰ باشد که ذکر کرده ازدواجش دو ماه قبل از ترورش در ۲۵ بهمن ۱۳۳۰ بوده است. (نشریه چشم انداز ایران اسفند ۱۳۸۵ و فروردین ۱۳۸۶/ص ۵) حاصل زندگی آن‌ها یک فرزند به نام سیروس بود که از کودکی با همراه مادرش به انگلیس رفتند و سیروس در خرداد ۱۳۹۴ در انگلیس فوت کرد. ضمناً به گفته شاهین فاطمی برادرزاده دکتر فاطمی، دربار خرج آن‌ها را در انگلیس می‌فرستاد. (مصاحبه شاهین فاطمی با رادیو فردا ۱۳۹۲/۰۵/۲۹ - لازم به ذکر است که شاهین فاطمی با سلطنت طلبان مرتبط است ولی به هر حال این سخنانش هنوز تکذیب نشده است.) ضمناً متأسفانه همسر دکتر فاطمی بیشتر عمرش خارج از کشور بوده و دیدگاه سیاسی خاصی ندارند و عجباً که در سال ۸۷ با احمدی نژاد ملاقات و از او تعریف کرد.

^{۱۲۱} - باختر امروز ۱۳۳۲/۰۵/۲۵ - ص ۱ و ۳

^{۱۲۲} - زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، دکتر نصرالله شیفته/ص ۲۸۱

^{۱۲۳} - یادنامه بمناسبت گذشت یک ربع قرن از شهادت دکتر سیدحسین فاطمی، نشریه شماره ۷ انتشارات جبهه ملی ایران/صص ۶۸-۶۹

^{۱۲۴} - بیاد شهید دکتر سیدحسین فاطمی، محمد ترکمان/ص ۲۹ نقل از تحقیق از همسر دکتر فاطمی - اشاره به این نکته لازم است که شایعاتی مبنی بر تجاوز به همسر دکتر فاطمی به میان آمده که غیر واقعی هستند. به هر روی در آن حالت قطعاً برخورد تندی با عواملش انجام می‌شد در حالی که حتی اشاره‌ای به این مطلب هم در اسناد به میان نیامده است. البته طبیعی است که حضور افراد مسلح تا صبح در منزل دکتر فاطمی خود به خود برای همسر جوانش بسیار آزار دهنده بود.

مورد تأیید افراد دیگری همچون دکتر کریم سنجابی هم قرار دارد.^{۱۲۵} در عین حال دکتر فاطمی انسانی مبارز و بسیار جسور و تا حدی کم تجربه بود.

با این تفاسیر طبیعی بود که دکتر فاطمی پس از کودتا به شدت دچار ناراحتی و عصبانیت شده و تندروی کند. وی حتی از دکتر مصدق خواست او را وزیر دفاع کند تا قاطعانه با مخالفان برخورد کند که دکتر مصدق نپذیرفت.^{۱۲۶} به گفته زنده یاد «محمد علی سفری» که در روز ۲۵ مرداد در منزل دکتر مصدق حضور داشت، دکتر فاطمی آن هنگام با داد و فریاد می‌گفت شما که دم از قانون در برخورد با کودتاچیان می‌زنید، ماجرای تلخ اشغال خانه من توسط گارد و فجایع آنان تا صبح را ندیدید در غیر این صورت چنین برخوردی نداشتید.^{۱۲۷} اما به هر روی مصدق با تجربه و بینش بالایش متوجه بود که توطئه‌ها به همین حد محدود نخواهد شد و حتی نگران ایجاد ناامنی در نقاط دور دست کشور بود.^{۱۲۸} همچنین به خوبی واقف بود که نمی‌تواند



روی نیروهای مسلح حساب کند.^{۱۲۹} لذا جانب احتیاط را از دست نمی‌داد بلکه با زیرکی و آینده نگری تلاش می‌کرد مسائل را به آرامی به پیش برده و بهانه دست کسی ندهد. در عین حال اقدامات قانونی در برخورد با کودتاچیان را انجام داده و به شکلی مردم را هم آزاد گذاشت تا مشابه ۳۰ تیر تصمیم بگیرند.

لازم به ذکر است که تا آن زمان مردان دولت مصدق یا اعضای جبهه ملی هرگز حمله تندی به دربار یا بحثی از برقراری جمهوری و برچیده شدن سلطنت نکرده بودند.^{۱۳۰} اما بعد از کودتا شرایط دگرگون شد. به

خصوص سخنرانی تند دکتر فاطمی در ۲۵ مرداد در میتینگ عصر در بهارستان موجب جسارت و تظاهرات بیشتر مردم گردید. در این میتینگ کسانی چون جلالی موسوی، دکتر شایگان، مهندس زیرک زاده و مهندس رضوی هم صحبت کردند. دکتر شایگان و مهندس زیرک زاده درباره کودتای شاه و فرارش صحبت کردند و مهندس رضوی حتی خواهان انفصال شاه شد. ولی

^{۱۲۵} - خاطرات سیاسی دکتر کریم سنجابی، دکتر کریم سنجابی، انتشارات صدای معاصر، چاپ اول ۱۳۸۱/ص ۱۵۶

^{۱۲۶} - رودخانه خروشان عشق، محمود حکیمی/ص ۱۳۸-- نقل از مصاحبه با دکتر سعید فاطمی

^{۱۲۷} - قلم و سیاست از شهریور ۱۳۳۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ج ۱، محمد علی سفری/صص ۸۳۳ و ۸۳۴

^{۱۲۸} - محمد مصدق در محکمه نظامی، به کوشش جلیل بزرگمهر، انتشارات دوستان، چاپ سوم تابستان ۱۳۷۸/ص ۲۹

^{۱۲۹} - نامه‌های دکتر مصدق ج ۱، گردآورنده: محمد ترکمان، نشر هزاران، چاپ اول ۱۳۷۴/ص ۳۰۳-- در این نامه تأکید کرده به دلیل نداشتن قوا در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مرداد سکوت کرده است.

^{۱۳۰} - خاطرات و تالمات دکتر محمد مصدق، دکتر محمد مصدق/ص ۲۷۰

دکتر فاطمی حملات تندتری کرد و شاه را با عنوان فرزند عاقد قرارداد ۱۹۳۳ خطاب نمود. حتی تاکید کرد مردم بساطی را که یک کلنل انگلیسی (آیرونساید) در ۳۳ سال پیش بنا کرد سرنگون کردند. پس از آن هم تظاهرات تا شب ادامه داشت.^{۱۳۱}

باختر امروز هم با شدت بی سابقه‌ای به دربار حمله می‌کرد. عنوان سرمقاله ۲۵ مرداد آن به قلم دکتر فاطمی عبارت بود از:

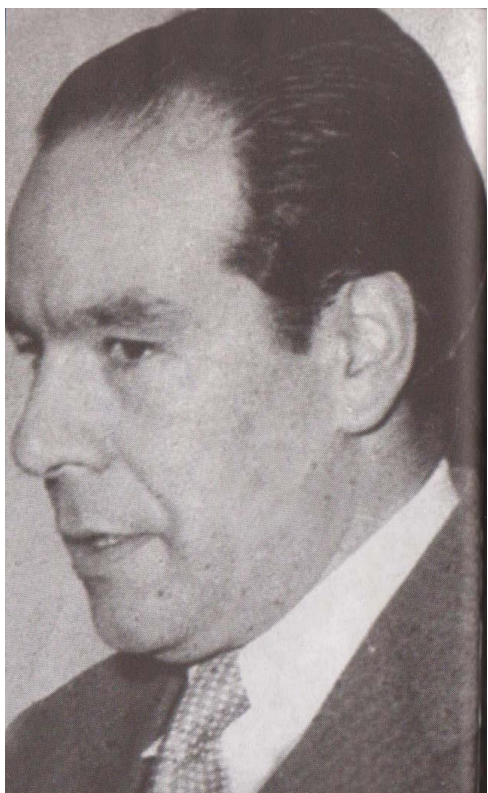
"این دربار شاهنشاهی روی دربار سیاه فاروق را سفید کرد."

صفحه اول باختر امروز ۲۶ مرداد به سرنگونی مجسمه‌های پهلوی و برافراشته شدن پرچم ایران به جای آن‌ها پرداخته و به صراحت از عزل شاه از طرف مردم صحبت می‌کرد. عنوان سرمقاله دکتر فاطمی هم در آن روز عبارت بود از:

"خائنی که می‌خواست وطن را به خاک و خون بکشد فرار کرد"

و در ۲۷ مرداد آخرین شماره باختر امروز به شماره ۱۱۷۴، باز گزارش سرنگون شدن مجسمه‌های رضاشاه و فرزندش را می‌داد و عنوان سرمقاله دکتر فاطمی چنین بود:

"شرکت سابق و روزنامه‌های محافظه کار لندن دیروز عزادار بودند"



به این ترتیب دکتر فاطمی تندترین حملات را به دربار نمود و مشوق برجیده شدن مجسمه‌ها بود. در عین حال کماکان یار عزیز و نزدیک مصدق بود و به خاطر این اقدامات با او برخوردی نشد. شواهدی چون فراندوم و تظاهرات‌ها هم نشان می‌داد اکثریت مردم مدافع ملیون هستند. قطعاً اگر این روال مردم با قاطعیت ادامه می‌یافت، به مرور منجر به تضعیف کامل شاه و ایجاد جمهوری دموکراتیک می‌شد. حتی اگر پادشاهی هم باقی می‌ماند بسیار ضعیف و تابع قانون می‌شد.

گفتنی است دکتر فاطمی از ۲۵ مرداد در جلسات داخلی جبهه ملی به شدت خواهان اعلام جمهوری بود که مورد موافقت اکثریت اعضای جبهه ملی قرار نگرفت.^{۱۳۲} دولت هم موضعی مبنی بر عزل شاه نگرفت و خود دکتر فاطمی به عنوان سخنگوی دولت در ۲۷ مرداد اعلام کرد موضوع رژیم جمهوری فعلاً مورد بحث دولت نیست. همزمان حرکت به سمت تشکیل شورای سلطنتی بود که در غیاب شاه قانونی بوده و در عین حال دربار را تضعیف می‌کرد و به احتمال

^{۱۳۱} - باختر امروز ۱۳۳۱/۰۵/۲۶

^{۱۳۲} - سیدعلی شایگان، زندگی‌نامه‌ی سیاسی، نوشته‌ها و سخنرانی‌ها، ج ۱، گردآوری احمد شایگان، نشر آگاه، چاپ اول ۱۳۸۵ / صص ۵۴۹-۵۵۰

قوی به مرور منجر به برقراری جمهوری می‌شد. احتمالاً به همین دلایل بحثی از جمهوری شدن کشور در باختر امروز ۲۵ تا ۲۷ مرداد وجود ندارد. حتی دکتر فاطمی علی‌رغم میل خودش به همکاران روزنامه^{۱۳۳} سفارش کرد در این مورد مراقبت کنند که باعث نارضایتی دولت نشوند.^{۱۳۴}

افسوس که در آن شرایط دست پنهان قدرتمند آمریکا پشت پرده سرکوب نهضت ملی قرار داشت و ملیون انسجام کافی برای مقابله با آن را نداشتند. از صبح ۲۸ مرداد تانک‌های آمریکائی مستقر در ارتش توسط افسران وطن فروش وارد عمل شده و



فواحش و اوباش اجیر شده به سان شعبان بی‌مخ با همراهی نظامیان کودتاچی حمله به مراکز نهضت ملی را آغاز کردند. دفتر باختر امروز از اولین محل‌هایی بود که مورد حمله قرار گرفت به شکلی که تا ساعت ۱۰ آتش زده شد.^{۱۳۵} دکتر فاطمی آن روز به منزل مصدق رفت و چند ساعتی آنجا بود. وقتی رادیو به دست کودتاچیان افتاد، آنان خبر قطعه قطعه شدن حسین فاطمی را پخش کردند^{۱۳۶} که نشانگر میزان کینه و دشمنی بود. دیگر درنگ جایز نبود و دکتر فاطمی هم اعلام کرد حال همسرش خراب شده^{۱۳۷} و به همراه خواهرزاده‌اش دکتر سعید فاطمی از منزل خارج شدند و علی‌رغم تیراندازی‌ها موفق شدند از مهلکه فرار کرده و مخفی شوند.^{۱۳۸} به این ترتیب شب ۲۸ مرداد آرزوهای ملت ایران برای داشتن استقلال و آزادی و اقتصاد قدرتمند(اقتصاد بدون نفت که به مرور درآمد نفت هم به کشور سرازیر می‌شد) ناکام ماند. دوران جدیدی هم از استعمار و دیکتاتوری آغاز شد با این تفاوت که این بار آمریکا قدرت اول در ایران بود.

^{۱۳۳} - برخی همکاران دکتر فاطمی در باختر امروز عبارت بودند از سعید فاطمی، محمدرضا جلالی نائینی، نصرالله شیفته(گزنند روزگار، نصرالله سیف پور فاطمی / ص ۳۶۹)، محمدعلی سفیری(نویسنده قلم و سیاست) و...

^{۱۳۴} - قلم و سیاست از شهریور ۱۳۳۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ج ۱، محمدعلی سفیری / صص ۸۵۱-۸۵۹

^{۱۳۵} - رودخانه خروشان عشق، محمود حکیمی / صص ۱۳۶-۱۳۷ -- نقل از مصاحبه با دکتر سعید فاطمی البته در بحث حمله صبح به دفتر باختر امروز تاکید از ما است و ایشان مسائل را روایت کرده است.

^{۱۳۶} - صدای پخش شده بعد از تصرف رادیو توسط کودتاچیان در ۲۸ مرداد

^{۱۳۷} - مصدق و حاکمیت ملت، محمد بسته نگار، انتشارات قلم، چاپ اول ۱۳۸۱ / ص ۲۰۶ نقل از مصاحبه دکتر صدیقی

^{۱۳۸} - رودخانه خروشان عشق، محمود حکیمی / صص ۱۳۸-۱۳۹ به نقل از مصاحبه با دکتر سعید فاطمی

دوران در به دری و مخفی شدن

آنچه از مجموع شواهد برمی آید دکتر فاطمی پس از فرار ابتدا به همراه خواهرزاده اش به منزل پور رضا وکیل قشقائی ها و پس از تاریخ شدن هوا به منزل سید حسن مصطفوی پناه بردند.^{۱۳۹} بعد از این با حزب توده تماس گرفته و به منازل آنان منتقل و چند بار جابه جا گردید^{۱۴۰} که در نهایت به منزل ستوان داروساز دکتر «محسنی» عضو سازمان افسران حزب توده منتقل شد.^{۱۴۱} در همان حال کینه و هراس استعمارگران از دکتر فاطمی که در عین حال نشانگر اهمیت او است، در گزارش سفیر آمریکا در ایران مشخص است که بعد از کودتا می نویسد:

۲۰۰. عامل دیگر کمک کننده به اضطراب و ناراحتی آن است که خطرناک ترین رهبران ملی هنوز آزادند. مصدق، فاطمی، شایگان، حسینی و دیگران به آسانی ممکن است با رهبران حزب توده در صدد طرح توطئه باشند. این حقیقت که فاطمی هنوز زنده است علی رغم شایعات روز ۱۹ اوت درباره مرگ وی، بویژه دلسرد کننده است، زیرا که وی حیلہ گرترین و بدون ملاحظه ترین فرد از اطرافیان مصدق محسوب می شود. این باور وجود دارد که وی با روحیه انتقام جوئی تردیدی در کمک به پیوند اتحاد و همکاری میان ملیون و توده ای علیه غرب به خود راه نمی دهد^{۱۴۲}

محمدرضا پهلوی هم پس از کودتا در دیدار با «کرمیت روزولت» عامل سازمان سیا در کودتا، مجازات اکثر بزرگان ملیون را چند سال زندان و تبعید اعلام نمود ولی تاکید کرد تنها استثناء حسین فاطمی است که باید اعدام گردد.^{۱۴۳} به همین دلایل رژیم به شدت به دنبال دکتر فاطمی بود و حتی دوستان و بستگان او دچار مشکل شده و بعضاً مدتی بازداشت شده بودند.^{۱۴۴} مثلاً در

^{۱۳۹} - همان / ص ۱۳۹ -- نقل از مصاحبه با دکتر سعید فاطمی

^{۱۴۰} - بیاد شهید دکتر سیدحسین فاطمی، محمد ترکمان / ص ۳۷ نقل از صورت جلسه ۳۲/۱۲/۲۳ فرمانداری نظامی شهرستان تهران و حومه که در آنجا مخفیگاه حزب توده اعلام شده است. ضمناً دکتر فاطمی در نامه ۵ شهریور یعنی حدود یک هفته بعد از کودتا خطاب به همسرش می نویسد برای دیوارکشی منزل یک توده ای که در آنجا مخفی شده به زیرزمین منتقل شده است. (نامه مندرج در فصلنامه مطالعات تاریخی شماره ۸ تابستان ۱۳۸۴، موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی / ص ۷۴)

^{۱۴۱} - کتاب سیاه درباره سازمان افسران حزب توده، انتشارات فرمانداری نظامی تهران، دی ۱۳۳۴ / صص ۲۸۲-۲۸۳ - البته این کتاب توسط رژیم کودتا منتشر شده اما در سایر منابع هم جملگی به اختفای دکتر فاطمی در منزل دکتر محسنی تاکید شده است. ضمناً دکتر محمود محسنی از معدود افسران حزب توده بود که موفق به فرار از دست رژیم شاه شده (کمونیسم در ایران یا تاریخ مختصر فعالیت کمونیستها در ایران / از اوایل مشروطیت تا فروردین ماه ۱۳۴۳)، سرهنگ ستاد علی زیبایی / ص ۸۴۸ - اسم دکتر محسنی در اینجا به عنوان افسران فراری آمده) و به آلمان رفت. (مصاحبه شاهین فاطمی با رادیو فردا ۱۳۹۲/۰۵/۲۹)

^{۱۴۲} - اسناد سخن می گویند (جلد دوم)، پژوهش و برگردان دکتر احمدعلی رجائی، مهین سروری (رجائی)، انتشارات قلم، چاپ اول ۱۳۸۳ / ص ۱۲۰۰ -- نقل از: سند شماره ۳۵۰، تلگراف ۲۱۵۳-۷۸۸۰۰/۸، از سوی هندرسون سفیر آمریکا به وزارت امور خارجه آمریکا، تهران ۲۱ اوت ۱۹۵۳، ۱ بعد از ظهر

^{۱۴۳} - کودتا در کودتا، کرمیت روزولت، ترجمه دکتر علی اسلامی، انتشارات چاپخش، / صص ۲۱۳ و ۲۱۴ - شاه در آنجا مجازات مصدق را ۳ سال زندان و تبعید دائم در دهکده خودش (احمدآباد) و مجازات ریاحی را فقط ۲ سال زندان ذکر کرد. برخی موارد مشابه از جمله تبعید سران قشقائی را هم اعلام نمود.

^{۱۴۴} - خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، بهرام افراسیابی / ص ۳۲۳ به نقل از دفاعیات دکتر فاطمی در دادگاه نظامی

اول مهر ۱۳۳۲ خواهر، همسر و حتی خواهر همسر دکتر فاطمی بازداشت شدند.^{۱۴۵} علامه «دهخدا» هم در خاطراتش می‌نویسد که چقدر ماموران به دنبال دکتر فاطمی بوده و منزل او را جستجو کردند.^{۱۴۶} گفتنی است دکتر فاطمی در دوران اختفاء در مضیقه مالی قرار داشت^{۱۴۷} که به تبع باعث تشدید کسالتش بود. همچنین در آن زمان تبلیغات مسموم علیه وی به شدت انجام می‌شد. برخی هم به خاطر سخنرانی ۲۵ مرداد و مواضع تند ضد درباری دکتر فاطمی، مقداری به وی مشکوک شده بودند.^{۱۴۸} جو منفی علیه وی به حدی بود که حتی اسم وی جزو کاندیداهای مجلس سنای نهضت مقاومت ملی اعلام نشد. به این ترتیب بدیهی است که وی در آن مقطع تا چه حد مظلومیت مضاعفی داشت.^{۱۴۹} طبیعتاً این مسائل موجب حیرت و ناراحتی دکتر فاطمی بود و طی نامه‌ای به تاریخ ۱۳۳۲/۱۰/۳۰ از نهضت مقاومت ملی خواست دیدگاه آنان به وی مشخص گردد.^{۱۵۰} در عین حال در همان نامه قاطعانه بر مواضعش ایستاد و نوشت:

«... [دکتر فاطمی فدائی نهضت] معتقد بوده و هست که تا یک تن از این دودمان ننگین در مقام سلطنت باشند غیر ممکن [است] پای استعمار انگلستان از ایران بدر رود. چه اینان پدر بر پدر خانه‌زاد انگلستان بوده و تا این دست پروردگان سفارت باقی باشند دولت فحیمه احتیاجی به جاسوس و مأموران دیگر نخواهد داشت.»^{۱۵۱}

نمونه امضای دکتر فاطمی که در پشت نوشته هایش دیده می‌شود.

همچنین وی در دوران اختفاء برخی خاطراتش را نوشت که هرچند کم هستند، اما منبع ارزشمندی برای شناخت برخی مسائل نهضت ملی هستند. این نوشته‌ها بعداً به دست «آزموده» دادستان ارتش معروف به «آی‌شمن ایران» افتاد. وی آن‌ها را در گاوصندوق منزلش جاسازی کرد که بعد از انقلاب به دست مردم افتاد. بخشی از این خاطرات نخستین بار در اسفند ۵۸ توسط نشر

«صمدیه» به مدیریت آقای مهندس «لطف‌الله میثمی» با عنوان «با چشمی گریان تقدیم به عشق» منتشر گردید.^{۱۵۲}

اشاره به این نکته هم لازم است که دکتر فاطمی بعد از کودتا فقط یک مسئله را به عنوان نقطه امیدش ذکر می‌کند و آن «بیداری و هشیاری مردم ایران» است. البته تاکید می‌کند منظورش نه اکثریت مردم که در جهل و فقر غوطه‌ور هستند بلکه «طبقه روشنفکر و منور ایران» است. تاکید هم می‌کند اینان در دولت دکتر مصدق از یأس قدیمی در برابر انگلیس دور شده و

^{۱۴۵} - روزنامه اطلاعات ۱۳۳۲/۰۷/۰۲، ص ۱

^{۱۴۶} - همان/ صص ۲۹۲-۲۹۴ به نقل از کتاب خاطرات دهخدا

^{۱۴۷} - بیاد شهید دکتر سیدحسین فاطمی، محمد ترکمان/ ص ۳۷ به نقل از صورت جلسه ۳۲/۱۲/۲۳ فرمانداری نظامی تهران و حومه

^{۱۴۸} - با چشمی گریان تقدیم به عشق، مهندس لطف‌الله میثمی/ ص ۱۵۴ -- نقل از گفتگو با آقای حسین شاه حسینی

^{۱۴۹} - تاریخ درباره دکتر فاطمی خیلی خوب نشان داد آبرو نزد خداست و با دروغ یا اشتباه از بین نخواهد رفت.

^{۱۵۰} - بیاد شهید دکتر سیدحسین فاطمی، محمد ترکمان/ ص ۳۴-۳۵ نقل از نامه دکتر فاطمی از مخفیگاه به نهضت مقاومت ملی ایران در ۳۲/۱۰/۳۰

^{۱۵۱} - همان/ ص ۳۵

^{۱۵۲} - با چشمی گریان تقدیم به عشق، مهندس لطف‌الله میثمی/ ص ۱۱

به نوعی خودباوری رسیدند. حتی معتقد بود این «تبدیل روح یأس و شکست و مغلوبیت به امید و استقامت» نکته‌ای است که دوستان و دشمنان آن مقطع قادر نیستند درباره‌اش قضاوت کنند. در ادامه هم می‌نگارد که اگر از تمام خدمات بزرگ مصدق صرف نظر گردد، همین یک خدمت جنگ با یأس و احساس مغلوبیت، کافی است که نام مصدق قرن‌ها در تاریخ وطن به عنوان یک مصلح حقیقی و خوشنام و مترقی بماند.^{۱۵۳} به این ترتیب خلاصه نظرش این بود که راه مصدق در مبارزه برای آزادی توسط افراد روشنفکر جامعه ادامه خواهد یافت و همین اصلی‌ترین نقطه امید است. پیش‌بینی‌ای که به نظر می‌رسد تا حدی عملی شده و هنوز هم مصدق به عنوان سمبل آزادگی در ایران مطرح و بسیاری آزادگان راه او را ادامه می‌دهند.

دستگیری و چاقو خوردن

در اسفند ۱۳۳۲ یکی از افسران شهربانی گزارشی ارائه می‌نماید مبنی بر اینکه فرد مشکوکی در منزلی در تجریش، کوچه



یاسمن زندگی می‌کند. سرگرد مولوی با چند نیرو روز ۲۲ اسفند^{۱۵۴} برای بازرسی آن خانه اعزام می‌گردد که با دکتر فاطمی (در حالی که ریش انبوهی گذاشته بود) مواجه شده و او را حدود ساعت ۹:۳۰ صبح دستگیر می‌نمایند.^{۱۵۵} از این زمان آزار اسیر آغاز می‌گردد. مولوی با دسته هفت‌تیر بر سر او می‌کوبد^{۱۵۶} و ماموران به سرعت به سمت کاخ سلطنتی می‌روند که به دربار خبر دهند. آنجا مولوی خواهان بیرون

آمدن سرهنگ نصیری فرمانده گارد سلطنتی می‌شود.^{۱۵۷} نصیری پس از دیدن فاطمی به او می‌گوید خائن وطن‌فروش کدام گوری بودی؟ او پاسخ می‌دهد مکتب مصدق وطن‌فروش نبود ما به ملت خدمت کردیم. نصیری هم چنان با دست به صورت دکتر فاطمی می‌کوبد که خون از بینی او جاری شود^{۱۵۸} و سپس دکتر فاطمی را به فرمانداری نظامی منتقل می‌کنند.^{۱۵۹}

^{۱۵۳} - یادداشت‌های دکتر فاطمی در دوران مخفی شدن، مندرج در فصلنامه مطالعات تاریخی سال اول شماره اول، زمستان ۱۳۸۲/ص ۷۵

^{۱۵۴} - در اکثر منابع این تاریخ ۶ اسفند ذکر شده اما حتی روزنامه اطلاعات ۱۳۳۲/۱۲/۲۲ هم خبر از دستگیری دکتر فاطمی در آن روز می‌دهد.

^{۱۵۵} - تصویر سند گزارش فرمانداری نظامی به ستاد ارتش که در فصلنامه مطالعات تاریخی سال اول شماره اول، زمستان ۱۳۸۲/ص ۶۴ درج شده است. البته در این گزارش تلاش شده چاقو زدن دکتر فاطمی بی‌اهمیت جلوه داده شده و پرده پوشی گردد.

^{۱۵۶} - *خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی*، بهرام افراسیابی/ص ۳۲۳ به نقل از دفاعیات دکتر فاطمی در دادگاه نظامی

^{۱۵۷} - روزنامه اطلاعات ۱۳۳۲/۱۲/۲۳، ص ۴

^{۱۵۸} - یادنامه بمناسبت گذشت یک ربع قرن از شهادت دکتر سیدحسین فاطمی، نشریه شماره ۷ انتشارات جبهه ملی ایران/ص ۵۰- این مسئله به نقل از روزنامه اطلاعات ۱۳۵۷/۱۱/۲۸، ص ۴ آمده است. در سایر منابع «*خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی*» به کوشش بهرام افراسیابی، صص ۲۹۸-۲۹۹ و «*زندگینامه دکتر سیدحسین فاطمی*»، دکتر نصرالله شیفته ص ۳۷۶ هم با همین مضمون ذکر شده است.

^{۱۵۹} - روزنامه اطلاعات ۱۳۳۲/۱۲/۲۳، ص ۴

کودتاپیان سرمست از پیروزی جدید اطراف اسیر را گرفته و عکس می‌انداختند. حتی بختیار برای ترساندن اسلحه را به سمت دکتر فاطمی نشانه رفته و گلوله‌ای به شکلی شلیک می‌کند که به او نخورد^{۱۶۰} اما طبیعتاً باعث وحشتش گردد. در مرحله بعد حدود ساعت ۳ به ظاهر قرار شد دکتر فاطمی به جایی منتقل گردد^{۱۶۱} اما نقشه دیگری در کار بود. او وقتی در بین ماموران از جلو شهربانی رد می‌شد، به ناگهان با هجوم شعبان بی‌مخ و یاران چاقو به دستش مواجه شد. چاقوکش‌ها حمله کردند تا کار فاطمی را همانجا تمام کنند و حتماً این اقدامات به مردم شاه دوست منتسب گردد. بانو سلطنت خواهر دلاور دکتر فاطمی در این باره گفته است که بعد از شنیدن خبر دستگیری دکتر فاطمی خود را به شهربانی رساند. در آنجا ۲ جیب ارتشی دید که عده‌ای اراذل و اوباش با لباس شخصی درون آن نشستند. از همانجا خطر را احساس کرد که آنان نقشه پلیدی دارند و به محض دیدن دکتر فاطمی فریاد زد برادر می‌خواهند تو را بکشند. بعد با تمام قوا به سمت برادرش حرکت کرده و علیرغم موانع او را در آغوش گرفته و خود را سپر بلای او کرد. متعاقب آن ضربات چاقو بی‌رحمانه بر تن او فرود آمدند و ۱۳ ضربه خورد^{۱۶۲} و ۳ ضربه چاقو به دکتر فاطمی اصابت کرد.^{۱۶۳} مردم در حال عبور با دیدن صحنه به مرور به سمت آن رفتند و چاقوکشان از مهلکه گریختند.^{۱۶۴} شیرزن پس از آن هم با تمام قوا در خیابان دویده و توجه مردم را به آن جنایت جلب می‌کرد که در نتیجه برخی خبرنگاران مسائل را بازتاب دادند.^{۱۶۵} بعد از آن مردم بانو سلطنت را به بیمارستان منتقل کردند. بدین سان گزارش این جنایت در شهر پیچید و در خبرگزاری‌های خارجی منعکس گردید. به هر روی خود فاطمی شخصیت بین‌المللی شناخته شده‌ای در کنار مصدق بود و فرار او هم موجب مباحثی شده بود. طبیعتاً فقط دستگیری او بار خبری زیادی ایجاد می‌کرد چه رسد به خبر چاقو خوردن که حساسیت بسیار زیادی ایجاد کرده و انعکاس بالائی داشت. در نتیجه رژیم مجبور شد حداقل برای عوام فریبی مانع مرگ دکتر فاطمی گردد^{۱۶۶} که قطعاً در غیر این صورت رسوائی بزرگ‌تری به بار می‌آمد.

به این ترتیب دکتر فاطمی برای دومین بار در خون خود غلتید اما از سلاخی شدن کامل نجات یافت و باز ترور ناکام ماند. در عین حال طبیعتاً مشکلات جسمی بیشتر او گردید. چاقو زدن یک اسیر بیمار و خواهرش هم در کنار شرکت در کودتای ۲۸ مرداد، به عنوان اقدام ننگین دیگری از رژیم کودتا و شعبان بی‌مخ این نماد لمپنیسم ایرانی،^{۱۶۷} در تاریخ به ثبت رسید.

^{۱۶۰} - *خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی*، بهرام افراسیابی/ ص ۳۲۳ به نقل از دفاعیات دکتر فاطمی در دادگاه نظامی

^{۱۶۱} - گزارش فرمانداری نظامی به ستاد ارتش که تصویرش در فصلنامه مطالعات تاریخی سال اول شماره اول، زمستان ۱۳۸۲/ ص ۶۴ درج شده است.

^{۱۶۲} - یادنامه بمناسبت گذشت یک ربع قرن از شهادت دکتر سیدحسین فاطمی، نشریه شماره ۷ انتشارات جبهه ملی ایران/ صص ۴۷-۴۸

^{۱۶۳} - روزنامه اطلاعات ۱۳۳۲/۱۲/۲۳، صص ۴ و ۱

^{۱۶۴} - *زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی*، دکتر نصرالله شیفته/ صص ۳۷۷ و ۳۷۸ -- ضمناً دکتر فاطمی در دفاعیات دادگاه نظامی هم

بحث چاقو خوردنش را مطرح کرد.

^{۱۶۵} - یادنامه بمناسبت گذشت یک ربع قرن از شهادت دکتر سیدحسین فاطمی، نشریه شماره ۷ انتشارات جبهه ملی ایران/ صص ۴۷-۴۸

^{۱۶۶} - *زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی*، دکتر نصرالله شیفته/ صص ۳۷۷ و ۳۷۸

^{۱۶۷} - سازمان مجاهدین خلق در مهر ۱۳۵۱ ضمن تلاش ناموفقی برای ترور شعبان بی‌مخ از او با لقب «ضارب وحشی و رذل دکتر سیدحسین فاطمی

شهید شجاع» نام برد گرچه تیر به دست او خورد. (*خاطرات شعبان جعفری*)، به کوشش هما سرشار، نشر ثالث، چاپ ششم ۱۳۸۱/ صص ۳۳۹ و ۳۴۵

دکتر فاطمی مجروح از گلوله و چاقو را به ادعای دادستان ابتدا به بیمارستان شهربانی و سپس به زندان منتقل کردند اما حالش چنان وخیم بود که به ناچار او را در ۲۳ اسفند به بیمارستان منتقل کردند.^{۱۶۹} وی تا حدود دو ماه وضع بسیار وخیمی داشت و تا دم مرگ رفت و برخی پزشکان از وی قطع امید کردند. به خصوص مکرر استفراغ خون می‌کرد و توانایی غذا خوردن نداشت و بخشی از آن را به همراه خون استفراغ می‌کرد که این هم در تشدید ضعف و وخامت حالش بسیار موثر بود.^{۱۷۰} بعضاً حتی فشار خون او به ۶ و ضربان قلبش به ۳۵ می‌رسید.^{۱۷۱} پزشکان هم اعلام کردند وی دچار خون‌ریزی داخلی است که یا در اثر ضربه چاقو به روده بزرگش است که قبلاً با گلوله صدمه دیده بود، یا به دلیل ضربات چاقو که به زیر ریه وی خورده است. به هر روی وی به شکل بدی خون استفراغ می‌کرد و تا حدود ۴۰ روز قادر به خوردن غذا نبود و پزشکان مواد غذایی را با تزریق به وی می‌رساندند و رژیم تلاش کرد وی زنده بماند. خانواده دکتر فاطمی هم بعد از حدود ۳۶ روز از دستگیری با وی ملاقاتی داشتند که در بالا رفتن روحیه او بسیار موثر بود و به مرور اندکی وضع فاجعه‌بار بهتر شد.^{۱۷۲}

از آن پس چندین بار اخبار وضع جسمی خوب دکتر فاطمی منتشر و او به زندان منتقل شده و بعد از مدت کوتاهی مجدداً او را به بیمارستان منتقل می‌کردند که نشانگر شرایط جسمی وخیم او و عجله رژیم کودتا برای اتمام کار بود. برخی از این موارد که از روزنامه اطلاعات گردآوری شده عبارتند از:

روزنامه اطلاعات ۳۲/۱۲/۲۴، ص ۱، خبر وضع وخیم جسمی دکتر فاطمی و انتقالش به زندان و بعد بیمارستان پادگان

۳۲/۱۲/۲۵، ص ۱، خبر وضع بد جسمی دکتر فاطمی

۳۳/۰۱/۰۷، ص ۶، خبر بهبودی کامل حال دکتر فاطمی!

۳۳/۰۱/۰۸، ص ۱، اعلام وخامت حال دکتر فاطمی و ۳ بار استفراغ خون او ظرف ۴ ساعت

۳۳/۰۱/۰۹، ص آخر، اعلام امکان خطر مرگ دکتر فاطمی

۳۳/۰۱/۱۱، ص ۶، اعلام اینکه امروز حال دکتر فاطمی رضایت بخش بود

۳۳/۰۱/۱۲، ص آخر، ادعای رو به بهبودی رفتن حال دکتر فاطمی

۳۳/۰۱/۱۵، ص آخر، اعلام خوب نبودن حال دکتر فاطمی

۳۳/۰۱/۱۶، ص آخر، اعلام وخیم شدن حال دکتر فاطمی از دیشب

^{۱۶۸} - اشاره به این نکته لازم است که فردی از اعضای حزب توده با نام «مکری» (شاید مستعار) مدعی شده در زندان به نزد دکتر فاطمی رفته و مطالبی هم با نام «خاطرات من از زنده یاد دکتر حسین فاطمی» نوشته است. اما نگارنده این سطور پس از بررسی نتوانست به آن اعتماد کند و چیزی از آن اینجا ذکر نشد. اگر کسی از خوانندگان اطلاع دقیقی از این فرد دارد ممنون می‌شویم اعلام فرماید.

^{۱۶۹} - روزنامه اطلاعات ۳۳/۱۲/۲۴، ص ۱

^{۱۷۰} - زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، دکتر نصرالله شیفته/ صص ۳۹۰ و ۳۹۱

^{۱۷۱} - بیاد شهید دکتر سیدحسین فاطمی، محمد ترکمان/ ص ۱۱ به نقل از روزنامه کیهان ۱۶ فروردین ۱۳۳۳

^{۱۷۲} - خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، بهرام افراسیابی/ صص ۳۰۱-۳۰۶

۳۳/۰۱/۱۷، ص آخر، اعلام کم‌تر شدن وخامت حال دکتر فاطمی

۳۳/۰۱/۲۱، ص ۹، اعلام حال خوب دکتر فاطمی در ۴۸ ساعت اخیر

۳۳/۰۳/۲۳، ص آخر، انتقال دکتر فاطمی از بیمارستان به زندان لشکر ۲ زرهی و آغاز بازجوئی از او

۳۳/۰۴/۰۲، ص ۱، خبر انتقال دکتر فاطمی به بیمارستان ارتش

در نهایت در تیرماه ۱۳۳۳ او را که قادر به حرکت نبود و ضربان قلب و فشار خون و دمای بدنش در شرایط بدی قرار داشت، با برانکارد به زندان منتقل کردند.^{۱۷۳} البته باز در مواردی مجدداً به دلیل ناراحتی به بیمارستان منتقل گردید^{۱۷۴} اما می‌توان گفت قبل از آخر تیر در زندان مستقر گردید. آیت‌الله زنجانی نیز در ۳۰ تیر ۱۳۳۳ به زندان افتاد و با دکتر فاطمی رابطه گرفت.^{۱۷۵} اشاره به این نکته لازم است که طبیعتاً اعدام دکتر فاطمی برای شاه تبعات سنگینی در جامعه داشت و به همین دلیل تلاش کردند او را از طریق چاقوکشان از بین ببرند. پس طبیعی بود که بعد از گسترش اخبار چاقو خوردن، رژیم مایل باشد مسئله بدون آبروریزی بیشتر پایان یابد. به این لحاظ اولاً تا حدی شایعه می‌کردند که دکتر فاطمی اعتصاب غذا کرده و به این دلیل حالش خراب است.^{۱۷۶} همچنین «سیدحسین مصطفوی نائینی» پسر خاله دکتر فاطمی و از نزدیک‌ترین دوستان او نقل می‌کند که وقتی دکتر فاطمی در بیمارستان ارتش بود، خواهر او به همراه آقای مصطفوی به ملاقات دکتر فاطمی رفتند که با ضعف مفرط روی تخت خوابیده بود. خواهر دکتر فاطمی برای تقویت روحیه او گفت نامه‌ای از دوستان نزدیک رسیده که اقداماتی در سطح بالا برای نجات جان دکتر فاطمی انجام شده است. اگر دکتر فاطمی مایل است چند کلمه‌ای به شاه بنویسد تا ترتیب آزادی او داده شود. اما هنوز سخنانش پایان نیافته بود که دکتر فاطمی با عصبانیت و فریاد مخالفت کرده و تاکید کرد ابداً حاضر به این کار نیست زیرا خیانتی از او سر نزده است. دیگر هم حاضر نشد در این باره بحثی گردد.^{۱۷۷} شاهین فاطمی برادرزاده دکتر فاطمی هم تاکید می‌کند او نیز تلاش کرده نامه ابراز پشیمانی را به امضای دکتر فاطمی برساند. حتی از او خواسته به فرزند کوچکش رحم کند اما دکتر فاطمی زیر بار نرفته است.^{۱۷۸} همچنین سرهنگ «غلامرضا مصور رحمانی» در خاطراتش ذکر می‌کند که دربار خیلی میل داشت در زندان از دکتر فاطمی توبه نامه بگیرد و به این دلیل حتی در زندان او را

^{۱۷۳} - خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، بهرام افراسیابی/ صص ۳۰۱-۳۰۶

^{۱۷۴} - بیاد شهید دکتر سیدحسین فاطمی، محمد ترکمان/ ص ۴۰ نقل از اسناد -- در لایحه دفاعیه دکتر فاطمی هم اشاره شده که بارها استشهاد

تهیه شده وی سلامت است و پس از مدتی به بیمارستان کشانده شده (خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، بهرام افراسیابی/ ص ۳۱۴)
^{۱۷۵} - همان/ ص ۴۷ نقل از مصاحبه آیت‌الله زنجانی

^{۱۷۶} - قلم و سیاست (۲) از کودتای ۲۸ مرداد تا ترور منصور، ج ۲، محمدعلی سفری، نشر نامک، چاپ اول زمستان ۱۳۷۳/ ص ۹۳

^{۱۷۷} - زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، دکتر نصرالله شیفته/ ص ۲۹۲

^{۱۷۸} - مصاحبه شاهین فاطمی با رادیو فردا ۱۳۹۲/۰۵/۲۹

آزار می‌دادند. مثلاً با سر و صدا مانع خواب او شده یا هنگامی که تب داشت اتاقش را گرم و سرد می‌کردند که بیماری او را تشدید می‌کرد. اما دکتر فاطمی زیر بار امضای توبه نامه نرفت و مقاومتش موجب شگفتی بود.^{۱۷۹}

ضمناً لازم به ذکر است که دکتر فاطمی در دوران زندان نیز از نظر مالی به شدت در مضیقه بود. خرج خانواده او را پدر زنش می‌داد و حتی کار به جایی رسید که خودش در زندان از آیت‌الله زنجانی کمک خواست و البته تاکید می‌کرد خدا او را به جای پدر در زندان به وی عطا کرده است. این روحانی بزرگوار نیز تا آخرین روزها برای او پول فرستاد.^{۱۸۰} این نیز نشانه دیگری از سلامت و پاکی یاران دکتر مصدق است که حتی در مقام وزارت هم به فکر اندوختن مال نیستند و به قول معروف:

«کسانی که مردان راه حق اند خریدار بازار بی رونق اند»

مکتوبات در زندان

جالب است که آیت‌الله زنجانی موفق شد با کمک گرفتن از بانوی پرستاری به نام «تیموری»^{۱۸۱}، نه تنها در زندان مقداری به دکتر فاطمی کمک کند که یک سری مکاتبات هم با او انجام دهد.^{۱۸۲} این مکتوبات که بعد از انقلاب منتشر شدند حاوی نکات ارزنده‌ای هستند و متن برخی از آنها در منابعی از جمله کتاب «خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی»، به کوشش بهرام افراسیابی، انتشارات سخن، چاپ اول ۱۳۶۶ در صفحات ۳۳۳ به بعد منتشر گردیده است. البته توجه شود شماره‌های مکتوبات دلیل تقدم و تأخر زمانی نیستند. در نشریه چشم انداز ایران اسفند ۸۵ و فروردین ۸۶ هم مصاحبه‌ای توسط خانم «ندا حریری» با آقای دکتر «احمد صدر حاج‌سیدجوادی» انجام و برخی نوشته‌های دکتر فاطمی منتشر شده که در صفحه ۱۶ نشریه تاکید شده شماره‌های مکتوبات کتاب آقای افراسیابی دلیل تقدم و تأخر نیستند.

بخش‌هایی از برخی نامه‌ها چنین است:

بخشی از مکتوب شماره ۱

"مخلص با این وضعیت امید را هم ندارم.

من و دل گرفتار شویم چه باک غرض اندر میان سلامت اوست"

بخشی از مکتوب شماره ۲

"روحیه بنده به فضل الهی محکم و قویست زیرا حق با ما است و هر که حق با او است خدا با اوست."

^{۱۷۹} - کهنه سرباز، خاطرات سیاسی و نظامی سرهنگ ستاد غلامرضا مصور رحمانی، غلامرضا مصور رحمانی، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول

۱۳۶۶ / صص ۳۵۲-۳۵۳

^{۱۸۰} - بیاد شهید دکتر سیدحسین فاطمی، محمد ترکمان / صص ۴۸-۴۹ نقل از مصاحبه آیت‌الله زنجانی

^{۱۸۱} - قلم و سیاست (۲) از کودتای ۲۸ مرداد تا ترور منصور، ج ۲، محمدعلی سفری / ص ۶۹

^{۱۸۲} - نامه‌ها، زندگینامه، اسناد و نامه‌های آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی، به کوشش بهروز طیرانی، انتشارات صمدیه، چاپ دوم زمستان ۱۳۸۸ / ص ۴۴

بخشی از مکتوب شماره ۴

درباره تعیین خط مشی دفاع او در دادگاه توسط دکتر مصدق و رهبران ملی و امید به اطلاع نسل‌های بعد از اقدامات و ایستادگی آنان. درباره این آرزوی دکتر فاطمی در صفحات بعد در بخش انتهائی لایحه دفاعیه در دادگاه نظامی بیشتر سخن خواهیم گفت. در هر حال بخشی از مکتوب او چنین بود:

"این نکته را بنده با کمال صداقت و آرزوی خلوص عرض می‌کنم که به هیچ وجه در تعیین این خط مشی منافع شخصی ما را در نظر نگیرید که بنده مریضم، چاقو خورده‌ام، زن و بچه و خواهر و برادرم چه می‌گویند. بلکه آن چیزی را در نظر بگیرید که ما بخاطر حفظ و حمایت آن جهاد کرده و به این روز افتاده‌ایم.

...

درست است که من رنج فراوان در این مدت مرض و قبل از آن کشیده‌ام ولی آرزو دارم که نفس‌های آخر زندگی‌ام نیز در راه نهضت و سعادت هم‌وطنانم صرف شود. بهر حال در دادگاه ما می‌توانیم بسیاری از حقائق را فاش کنیم. داغ باطله بر کنسوسیوم و حامیان او بزنیم. ممکن است نگذارند منتشر شود و باطالع عامه برسد: از یکطرف می‌شود محرمانه چاپ و پخش کرد. و از طرف دیگر گوش به گوش خواهد رسید. بر فرض که هیچکس هم نفهمد و صدای ما را خفه کنند در تاریخ و در پرونده باقی خواهد ماند. و فردای روشن ممکن است مورد استفاده نسل‌های آینده و همچنین نسل معاصر قرار بگیرد و راه دیگر هم این است که معتدل و ملایم حرف بزنیم و بگذریم. یا مثل (ریاحی) طلب عفو و بخشش کنیم و چند سال زندان برای ما حسب‌الامر تعیین کنند. زیر بار شق آخری هرگز بنده نخواهم رفت، حتی اگر آنچه را دلشان بخواهد دادگاه رای بدهد."

بخشی از مکتوب شماره ۹

"این پرده رسوائی آخر برای تکمیل صحنه چاقو زدن جلو نظمیه لازم بود و به نظرم خواست خدا اینست که روز به روز رسواترشان کند. بهر حال با هر جان‌کندنی هست (البته از نظر مزاج) می‌گذرانم ولی به جد بزرگوارمان قسم که اگر خیال کنید بقدر سر سوزن این لوطی‌بازی‌ها در اراده و روحیه مخلصان تأثیر داشته باشد اگر حمل بر خودستائی نشود عرض می‌کنم (شیر را هرچند در زنجیر نگهدارید ممکن نیست گربه شود)

...

به خواهرم بفرمائید ابداً متأثر نباشد برعکس افتخار کند که برادرش واسطه و دلال فروش وطنش نشد و به احساسات و عقاید جامعه سر تعظیم و تکریم فرود آورد."

بخشی از مکتوب شماره ۱۱

"در این موقعی که یک ساعت از صدور رای دستوری می‌گذرد یک ذره ناراحت نیستم زیرا اگر آن افتخار را پیدا کنم که در راه وطنم این نیمه جان را بگذارم درست در راه و مصرف حقیقی خودش شده است."

بخشی از مکتوب بدون شماره (دوران بازداشت افسران حزب توده نیمه دوم شهریور ۱۳۳۳)

"(۴) وضع مزاجیم در ۴۸ ساعت اخیر به طرز بی سابقه‌ای مختل شده است. تفصیل را عرض خواهم کرد.

(۵) چند روز است در اینجا عده‌ای سرهنگ و سرگرد بازداشت و تحت شکنجه قرار دارند."

بخشی از مکتوب بدون شماره

"(۱) وضع مزاجی مخلص به قدری خراب است که مرا حتی از خوردن یک قطره آب ممنوع کرده‌اند.

(۶) زندان اینجا پر از سرهنگ و سرگرد و سروانست و بساط شلاق و دستبند پراست"

که این مکاتبات تا شب ۱۹ آبان ۱۳۳۳ ادامه یافتند و یک نامه وی هم خطاب به «علی دشتی» بود.^{۱۸۳}

دادگاه نظامی

طبیعی بود که ایستادگی دکتر فاطمی در اسارت، بر خشم دربار بیفزاید. شاه در ۱۹ تیر دستور داد که حتی در بیمارستان از وی بازجویی گردد.^{۱۸۴} به این ترتیب بازجویی از بیمار آغاز شد و او در روزهایی که باید استراحت می‌کرد، تا شب سوال و جواب می‌شد زیرا ماموران عجله داشتند کار سریع‌تر تمام شود.^{۱۸۵} در ۲۳ مرداد قرار مجرمیت دکتر فاطمی با کیفرخواست اعدام صادر شد^{۱۸۶} و مقدمات اعزام او به دادگاه فرمایشی تهیه شد. در حالی که دادستانی ارتش حتی اجازه نداد دکتر فاطمی کسی را انتخاب کند که یادداشت‌های او را تنظیم کرده و مطالب مد نظر دفاعیه‌اش را برایش بنویسد. پس او به ناچار خودش

^{۱۸۳} - «علی دشتی» چند دوره نماینده مجلس در زمان رضاشاه بود و در همان دوران به زندان افتاد. بعد کارمند شهربانی رضاشاه برای سانسور مطبوعات شد که به گفته خودش از بیم جاننش بود. پس از برکناری رضاشاه به سرعت علیه او موضع گرفت و نماینده مردم در مجلس چهاردهم شد و تا انقلاب ۵۷ سناتور سنا بود. شهرتش بیشتر بابت نویسندگی است و بعد از انقلاب به دلیل نگارش کتاب «۲۳ سال» مدتی به زندان افتاد و در دی ماه ۱۳۶۰ درگذشت. (رجال پارلمانی ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)، منوچهر نظری، نشر فرهنگ معاصر، چاپ اول ۱۳۸۸/صص ۳۵۸-۳۶۰) آیت‌الله زنجانی تاکید می‌کند یک نامه دکتر فاطمی خطاب به علی دشتی بوده است. (نامه‌ها/زندگینامه، اسناد و نامه‌های آیت‌الله حاج سید رضا زنجانی)، به کوشش بهروز طیرانی، انتشارات صمدیه، چاپ دوم ۱۳۸۸/صص ۴۵) بین مکتوبات چاپ شده در کتاب «خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی» به کوشش بهرام افراسیابی هم مکتوب شماره ۱۳ در صفحه ۳۵۰ وجود دارد که اولاً متن آن با سایر مکتوبات متفاوت است. در ثانی دکتر فاطمی در ابتدای آن خطاب به گیرنده نامه نوشته: «بارها تصمیم گرفته و حتی نامه‌ای هم تهیه کرده و خواسته‌ام به حضور تقدیم کنم» و «شما راهنمای مبارزات و جان‌فشانی‌هایی بودید که در دوره چهاردهم از مجلس همفکرانی را که در بیرون داشتید اداره می‌کردید از ایامی که در پاریس بودید و می‌دیدید که در آن شرایط سخت...» که نشان می‌دهد این نامه خطاب به فرد جدیدی است. در عین حال دشتی در فرانسه مدتی با حسین فاطمی بود. (زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، دکتر نصرالله شیفته/صص ۱۶) لذا همین مکتوب شماره ۱۳ خطاب به دشتی بوده و تاریخ آن ۱۹ آبان ۱۳۳۳ است که آخرین نامه دکتر فاطمی بوده است. البته احتمال قوی متن نامه زودتر تهیه شده و در شب ۱۹ آبان ارسال شده زیرا شماره مکتوبات قبلی بالاتر از ۱۳ هستند.

^{۱۸۴} - بیاد شهید دکتر سیدحسین فاطمی، محمد ترکمان/صص ۳۸-۴۲ نقل از اسناد

^{۱۸۵} - خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، بهرام افراسیابی/صص ۳۱۲ نقل از دفاعیات دکتر فاطمی در دادگاه نظامی

^{۱۸۶} - روزنامه اطلاعات ۱۳۳۳/۰۵/۲۳، صص ۱

دست به قلم برد و این هم باعث تشدید بیماری و ناراحتی‌اش شد به طوری که در روزهای اول به حدی اذیت شد که تا چند روز دست به قلم نبرد. بعد هم تجدید فعالیتش منجر به تب و ضعف شدید شد.^{۱۸۷}

لازم به ذکر است دکتر فاطمی اصولاً فردی کم‌معاشرت بود و ارتشی‌ها را کمتر می‌شناخت.^{۱۸۸} ولی به همت آیت‌الله زنجانی، سرتیپ «قلعه بیگی» برای وکالت دکتر فاطمی انتخاب شد که وی به محض درخواست آیت‌الله زنجانی با کمال افتخار قبول کرد. «شهیدزاده» وکیل رسمی عدلیه هم برای کمک به وی از جهت اطلاعات حقوقی توسط آیت‌الله زنجانی تعیین شد. هیچ یک از این دو علیرغم اصرار آیت‌الله زنجانی حق‌الزحمه‌ای نگرفتند^{۱۸۹} و دکتر فاطمی از این بابت از آنان در دادگاه تشکر کرد.^{۱۹۰}

باری در ۷ مهر دکتر فاطمی را با برانکارده به دادگاه منتقل کردند. او از درد ناله و اعلام می‌کرد وضعیتش به شکلی نیست که در دادگاه حاضر شود. اما رئیس دادگاه به استناد صورت جلسه پزشکان ارتش به سان دکتر «ایادی»، سخنان او را رد کرد که آنان نیز نوشته بودند با آمبولانس به دادگاه منتقل گردد.^{۱۹۱} به این ترتیب مشخص بود عجله‌ای در میان است تا کار هرچه زودتر پایان یابد. گفتنی است خبرنگاران هنگام ورود دکتر فاطمی در روی برانکارده به دادگاه اجازه نیافتند در دادگاه باشند و عکسی از وی بیندازند. وکیل دکتر فاطمی تیمسار قلعه بیگی حتی از قضات خواست محل بازداشت را که همان نزدیک بوده بازدید نمایند و آثار استفراغ خون شب قبل او را مشاهده کنند تا قانع شوند محاکمه با این وضع قانونی نیست. اما قضات از این کار خودداری کردند و قلعه بیگی هم بعد از اعلام تنفس دیگر به دادگاه نیامد و خود را مستعفی اعلام کرد. دادگاه هم به جهت تسریع در اتمام کار مانع انتخاب وکیل جدید توسط دکتر فاطمی شد و سرهنگ «علی امین پور» وکیل دکتر شایگان به وکالت تسخیری دکتر فاطمی تعیین شد. او نیز به دلیل عدم مطالعه پرونده اعلام کرد امکان دفاعی ندارد. خود دکتر فاطمی هم در دادگاه اعلام کرد این نکته به معلومات وی اضافه شده که استفراغ خون دلیل سلامت و صحت است. بعد در دادگاه سکوت کرد هرچند لایحه دفاعی وی ارائه شد.^{۱۹۲} ضمناً دادگاه غیر علنی و سری بود و آزموده دادستان ارتش خواهان اعدام دکتر فاطمی بود. دادگاه هم در ۱۹ مهر یعنی ظرف ۱۲ روز ماده استنادی دادستان ارتش را تأیید و حکم اعدام دکتر فاطمی را صادر کرد.^{۱۹۳}

دادگاه تجدید نظر سری نیز به سرعت تشکیل شد. دکتر فاطمی در این دادگاه سرهنگ امین پور را به وکالت انتخاب کرد هرچند مشخص بود کل دادگاه فرمایشی و دستوری است. دادگاه هم برای برای تسریع در صدور حکم حتی تا پاسی از شب ادامه می‌یافت^{۱۹۴} و حکم اعدام را در روز جمعه ۱۳۳۳/۰۸/۰۷^{۱۹۵} در نزدیکی‌های نیمه شب تأیید کرد.^{۱۹۶}

^{۱۸۷} - همان/ ص ۳۱۲ نقل از دفاعیات دکتر فاطمی در دادگاه نظامی

^{۱۸۸} - خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، بهرام افراسیابی/ ص ۳۱۱

^{۱۸۹} - بیاد شهید دکتر سیدحسین فاطمی، محمد ترکمان/ ص ۵۰ به نقل از مصاحبه آقای «احمد صدر حاج‌سیدجوادی» با آیت‌الله زنجانی

^{۱۹۰} - خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، بهرام افراسیابی/ ص ۳۱۰ نقل از دفاعیات دکتر فاطمی در دادگاه نظامی

^{۱۹۱} - همان/ صص ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۳۲ و ۳۵۱ که در دو صفحه اخیر تصویر روزنامه‌های وقت نیز وجود دارد.

^{۱۹۲} - ناگفته‌ها و کم گفته‌ها از دکتر محمد مصدق و نهضت ملی ایران، سرهنگ جلیل بزرگمهر، کتاب نادر، چاپ اول ۱۳۷۹/ صص ۱۹-۲۴

^{۱۹۳} - خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، بهرام افراسیابی/ ص ۳۵۱

^{۱۹۴} - ناگفته‌ها و کم گفته‌ها از دکتر محمد مصدق و نهضت ملی ایران، سرهنگ جلیل بزرگمهر/ صص ۲۴-۲۷

^{۱۹۵} - بیاد شهید دکتر سیدحسین فاطمی، محمد ترکمان/ ص ۴۵ نقل از گزارش آزموده به شاه

در اینجا لازم است بخشی از لایحه دفاعیه دکتر فاطمی در دادگاه نظامی را بررسی کنیم. قسمت‌هایی از لایحه در منابعی همچون «با چشمی گریان تقدیم به عشق» و «خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی» آمده است. بخش‌های مهمی هم در نشریه «چشم انداز ایران اسفند ۱۳۸۵ و فروردین ۱۳۸۶» منتشر شده که برگرفته از نوشته‌های او در نزد آیت‌الله زنجانی است. البته متأسفانه بخش زیادی از نوشته‌های دکتر فاطمی هنگام هجوم ماموران جمهوری اسلامی به منزل آقای احمد صدر حاج‌سیدجوادی به غارت رفته و مسترد نشده‌اند. بخش مانده فعلی هم از چشم آنان دور مانده بود.^{۲۰۴} قسمت مهمی از دفاعیه هم در اوائل انقلاب در نشریه شماره ۷ انتشارات جبهه ملی با عنوان «یادنامه بمناسبت گذشت یک ربع قرن از شهادت دکتر سیدحسین فاطمی» منتشر شده که احتمالاً از روی یادداشت‌های او هستند. البته تمام این منابع ناقص بوده و بخش‌هایی از دفاعیه را در بر دارند ولی همپوشانی داشته و در مطالبی که مشترک هستند، اختلافی ندارند.

وی در دفاع به طور کلی تلاش می‌کرد روالی بدون تنش و با استنادات قانونی در پیش گیرد. در عین حال وارد مسیر تسلیم و عجز نگردید چنانکه به صراحت در آنجا نوشته است:

«اینها که من عرض می‌کنم برای تملق و چاپلوسی شخص یا اشخاص معین نیست، جنبه انابه و استغفار را هم ندارد، بخصوص که بعضی قراین و دلایل نشان داده است که چگونگی دفاع و قدرت استدلال و ارائه مدرک و دلیل در اتخاذ تصمیماتی که گرفته شده یا گرفته می‌شود چندان موثر نخواهد بود.»^{۲۰۵}

در دفاعیه هیچ بی‌احترامی به شاه نکرده و حتی از وی با عنوان اعلیحضرت نام می‌برد. با دلایل مکرری هم تاکید می‌کند وی و سایر ملیون از زمان تشکیل جبهه ملی به هیچ وجه با شاه تضادی نداشتند. حتی خود او بارها تلاش کرده اختلافات دربار و دکتر مصدق رفع کردند. اصولاً آن‌ها به حدی درگیر مبارزه خارجی بودند که امکان ایجاد تنش در داخل کشور را نداشتند و بر هم زدن سیستم داخل به ضررشان بوده است. خود او نیز روابط خوبی با شاه داشته و شاه از انتصاب او به وزارت خارجه ابراز خوشحالی کرده است. در عین حال او بعد از گلوله خوردن از نظر جسمی و اعصاب بسیار مشکل داشته و به تبع در اثر کودتای اول و دستگیری با وضع زننده، بسیار اذیت شده است. اقداماتش در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مرداد هم به جهت تحریک اعصابش بوده است.^{۲۰۶}

همچنین علاوه بر اعتراض به صلاحیت دادگاه، شرح نحوه برخورد در شب ۲۴ مرداد و نحوه دستگیری‌اش در حالت مریضی و شکنجه‌ها و ظلم‌ها و اینکه بارها گواهی سلامت او را صادر کردند و بعد به بیمارستان بردند و... را بیان می‌کند. ادعای نامۀ دادستان را نیز به ۳ بخش ۱- قسمت حسامی و رزمی ۲- قسمت مبالغه و اغراق ۳- قسمت ناسزا و دشنام تقسیم کرده است. جالب آنکه اتهامات اصلی دکتر فاطمی و درخواست اعدام وی پیرامون سه محور:

^{۲۰۳} - خاطرات و تالمات دکتر محمد مصدق، دکتر محمد مصدق، ص ۲۸۹

^{۲۰۴} - نشریه چشم انداز ایران اسفند ۱۳۸۵ و فروردین ۱۳۸۶ / ص ۵ به نقل از مصاحبه آقای «احمد صدر حاج‌سیدجوادی» با خانم «ندا حریری»

^{۲۰۵} - نشریه چشم انداز ایران اسفند ۱۳۸۵ و فروردین ۱۳۸۶ / ص ۸

^{۲۰۶} - نشریه چشم انداز ایران اسفند ۱۳۸۵ و فروردین ۱۳۸۶ / صص ۴-۱۸

۱- شرکت در میتینگ

۲- نوشتن سه سرمقاله

۳- مخابره یک تلگراف (درباره شاه فراری به سفارت ایران در بغداد)

بودند. وی این سوال را هم مطرح کرده که چگونه یک وزیر خارجه بدون داشتن قوا و به صرف انجام چنین اعمالی قادر است به آسایش عامه صدمه بزند؟ یا مردم را مسلح کند و موارد مشابه... البته همزمان تاکید کرده از ابتدا نتیجه دادگاه برایش مشخص بوده و ماهها مقدمه‌چینی دستگاه فاقد نتیجه نخواهد ماند. اما برای اینکه مسئله حالت قهر یا ناتوانی از دفاع به خود نگیرد، این مطالب را بیان می‌کند. ضمن اینکه روال کار را به یک کم‌دی-تراژدی تشبیه کرده است.^{۲۰۷}

علاوه بر این شرحی از مسائل مبارزاتی منجر به ملی شدن نفت و خدمات ملیون ارائه کرده و قاطعانه از دکتر مصدق دفاع کرده چنانکه نوشته است:

"سال‌ها بود که هر وقت مردم می‌خواستند استعانت و کمکی برای حفظ قانون بجویند و صدائی اعتراض آمیز بر ضد قانون‌شکنی بلند کنند اولین نامی که یادشان می‌آمد و نخستین اسمی که به حافظه‌شان می‌آوردند اسم «دکتر مصدق» بوده است. این اعتقاد بی‌دلیل و کورکورانه پیدا نشده بود. این مرد بزرگ پنجاه سال امتحان تقوای سیاسی و شرف و مردانگی را داده بود. شجاعت و شهامت او را در دیگری ندیده بودند و مهمتر از همه خصوصیات دکتر مصدق که باید هنوز مانند سیاستمداران قرن نوزدهم ایران فکر کند و جهاتی چند، از این نوع تفکر را علی‌الاصول باید به او تحمیل می‌کرد. این است که همیشه یک دو قرن آینده را می‌بیند و در عین حال مآل اندیشی و واقع‌بینی، فردا را از مترقی‌ترین جوانها بهتر در نظر دارد.^{۲۰۸}"

وی در بخش دیگری پیرامون مرگ می‌نویسد:

"وحشت مرگ ساخته و پرداخته آنهایی است که به زندگی دلبستگی زیاد دارند و برای حیات خود بیشتر از حیات اجتماع خویش ارزش و اهمیت قائل هستند و آن کسانی که وجدانشان آرام است خیلی به سادگی و آسانی می‌توانند از زندگی چشم‌پوشند و برای آنها مردن از آب خوردن سهل‌تر است.^{۲۰۹}"

که تا آخرین لحظات هم نشان داد وصف او در همین جملات است. در نهایت به نظر نگارنده یکی از زیباترین بخش‌های دفاعیه آنجا است که او «سعادت را در انجام وظیفه به بهترین وجه» دانسته و درباره اعتقادش پیرامون ارزش‌های زندگی به نقل از «ارسطو» می‌نویسد:

"...همان طوری که به نخست‌وزیر گفته بودم خودم را سربازی ساده در اختیار نهضت می‌دانستم. به قول ارسطو: «...سعادت و خوشی را مردم در امور مختلفه می‌پندارند از جمله برخی به لذات راغب‌اند و بعضی به مال و جماعتی به جاه و جلال، اما چون درست توجه کنیم هیچ وجودی به غایت خود نمی‌رسد، مگر

^{۲۰۷}- خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، بهرام افراسیابی/ صص ۳۰۹-۳۳۱ نقل از دفاعیات دکتر فاطمی در دادگاه نظامی

^{۲۰۸}- همان/ صص ۳۲۸

^{۲۰۹}- نشریه چشم انداز ایران اسفند ۱۳۸۵ و فروردین ۱۳۸۶/ صص ۵

این که همواره وظیفه‌ای که برای او مقرر است به بهترین وجه اجرا کند و انجام وظیفه به بهترین وجه برای هر وجودی فضیلت است پس سعادت از فضیلت جدا نیست، بلکه خود اوست و کمال هر وجودی عبارت از نیل به درجات فضیلت و وصول به غایت حقیقی حیات که همان سعادت است می‌باشد» ... من که به دنبال آن گونه سعادت‌تی که «ارسطو» تعریف کرده همیشه بوده‌ام به هیچ چیز جز انجام وظیفه وطنی خود نیندیشیدم^{۲۱۰}

که این جملات راهنمای مناسبی برای افرادی است که تمام هم و غم‌شان مادیات دنیا نیست و به فکر خدمت به محیط هستند. در تکمیل بحث درباره‌ی این خصوصیت دکتر فاطمی لازم است اشاره گردد که وی تا کودتای ۲۸ مرداد حتی در جانی اعلام نکرد مبتکر پیشنهاد ملی شدن نفت بوده است! فقط بعدها در یادداشت‌های دوران مخفی شدن به این مسئله اشاره‌ای کرد.^{۲۱۱} به این ترتیب عملاً نشان داد سعادتش را فقط در انجام وظیفه‌ی خدمت به خلق می‌داند.

در اینجا اشاره به این نکته لازم است که دکتر فاطمی چنانکه در مکتوب شماره ۴ نوشت، کلاً بسیار امیدوار بود زمانی نوشته‌ها و دفاعیاتش و شرح مسائل دادگاه به دست نسل‌های بعدی بیفتد و این نیز یکی از دلایلش برای قاطعانه ایستادن در دادگاه بود. از آن سو دیدیم دستگاه شاه اجازه نداد کسی بابت نوشتن لایحه‌ی دفاعی به دکتر فاطمی کمک کند و دادگاه او را سری کرد. علاوه بر این حتی یادداشت‌های قانونی وکیل دادگاه تجدید نظر را هم از آنها گرفته و سوزاندند.^{۲۱۲} رژیم حتی برخی اسناد و پرونده‌های دادرسی ارتش از جمله اوراق و اسناد و عکس‌های پرونده دکتر فاطمی را سوزانده و از بین برد. به همین دلیل پرونده‌ی دادگاه دکتر فاطمی بعد از انقلاب یافت نشد.^{۲۱۳} ولی همانگونه که اشاره شد مکتوبات او از زندان و بخشی از لایحه‌ی دفاعی‌اش نزد آیت‌الله زنجانی حفظ شدند. دست‌نوشته‌های او نیز در اقدامی عجیب توسط آزموده به گاوصندوق منزل منتقل شده و بعد از انقلاب به دست طرفداران دکتر فاطمی افتادند که بخش عمده‌ی آن منتشر شد. در نتیجه تقدیر بر آن بود که با تمام تلاش‌ها و سخت‌گیری‌های رژیم کودتا و حساسیت روی ارتباطات دکتر فاطمی، آرزوی او در آگاهی نسل‌های بعد از ایستادگی او عملی و برای بسیاری مبارزان درس ایستادگی و زندگی گردد.

^{۲۱۰} - نشریه چشم انداز ایران اسفند ۱۳۸۵ و فروردین ۱۳۸۶ / ص ۶

^{۲۱۱} - یادداشت‌های دکتر فاطمی در دوران مخفی شدن، مندرج در فصلنامه مطالعات تاریخی سال اول شماره اول، زمستان ۱۳۸۲ / ص ۹۷

^{۲۱۲} - ناگفته‌ها و کم گفته‌ها از دکتر محمد مصدق و نهضت ملی ایران، سرهنگ جلیل بزرگمهر، کتاب نادر، چاپ اول ۱۳۷۹ / ص ۲۶

^{۲۱۳} - دکتر حسین فاطمی: نوشته‌های مخفیگاه و زندان، دفتر پنجم دفترهای آزادی، ویراستار و مصنف هدایت متین دفتری، لندن ۱۳۸۳ / ص ۹

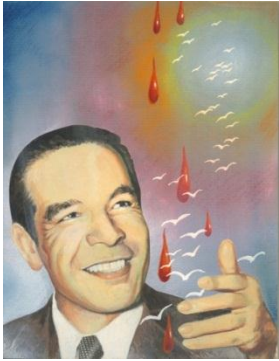
صبحی ست نیمه روشن و مردی پریده رنگ

بیمار و زار و خسته ولی با ثبات کوه!

از محبس آوردنش و در چهره‌اش پدید

آیات سربلندی و والائی و شکوه^{۲۱۴}

ساعت ۴ صبح ۱۹ آبان ۱۳۳۳ آزموده و همراهانش به سراغ دکتر فاطمی رفته و اجرای حکم اعدام را به وی ابلاغ کردند. آزموده به او یادآوری کرد که بارها گفته از مرگ هراسی ندارد. دکتر فاطمی هم چنان جسورانه ایستاد که حتی آزموده طی مصاحبه‌ای اعلام کرد روحیه‌اش در آن زمان به حدی قوی بود که اگر کسی وارد اتاق می‌شد، ابداً متوجه نمی‌شد این فرد قرار است اعدام گردد.^{۲۱۵} وی در آخرین لحظات خواهان ملاقات دکتر مصدق شد که آزموده موافقت نکرد و او فقط توانست یک خداحافظی در حد روبوسی با دکتر شایگان و مهندس رضوی داشته باشد.^{۲۱۶}



ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز
کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

دکتر فاطمی پس از خداحافظی ظرف چند دقیقه به میدان تیر منتقل شد^{۲۱۷} در حالی که با جسارت از راه و اعتقاداتش سخن می‌گفت.^{۲۱۸} حتی خبرگزاری «رویتر» اعلام کرد او فریاد زنده باد مصدق سر می‌داد.^{۲۱۹} در قتلگاه بوی نفرت‌انگیز استعمار نفتی و استبداد با کینه از یک بیمار آمیخته شده بود. بیماری ناتوان از حرکت و زخمی گلوله و چاقو... بدیهی است که اعدام چنین انسانی تا چه حد ظالمانه و غیر انسانی بود اما جلادان به آن حال نیز رحم نکردند. به سرعت فرمان تیر صادر و گلوله‌ها

^{۲۱۴} - شعر از شاعر ملی ایران استاد «عبدالعلی ادیب برومند»، نقل از قلم و سیاست (۲) / از کودتای ۲۸ مرداد تا ترور منصور، ج ۲، محمدعلی سفری، نشر نامک، چاپ اول زمستان ۱۳۷۳ / ص ۱۶۱ - نقل از سرود رهائی

^{۲۱۵} - روزنامه اطلاعات ۱۳۳۳/۰۸/۱۹ صص ۱۳ و ۱۴ - البته آزموده مدعی بود روحیه دکتر فاطمی در اثر صحبت آزموده بالا رفته!! که کذب بودن آن بدیهی است.

^{۲۱۶} - مصدق، دولت ملی و کودتا - مجموعه گفت و گوها و مقالات تاریخی-سیاسی، زیر نظر مهندس عزت‌الله سحابی، انتشارات طرح نو، چاپ اول ۱۳۸۰ / صص ۳۴۴-۳۴۵ به نقل از مصاحبه با سرهنگ محمود خلعتبری وکیل دکتر شایگان و مهندس رضوی که در همان روز اعدام دکتر فاطمی با موکلانش ملاقات داشته و از مسائل مطلع شده است.

^{۲۱۷} - مصدق، دولت ملی و کودتا - مجموعه گفت و گوها و مقالات تاریخی-سیاسی، زیر نظر مهندس عزت‌الله سحابی / ص ۳۴۴

^{۲۱۸} - اشاره به این نکته لازم است که در منابع مکرری یک سخنرانی حماسی به دقایق آخر زندگی دکتر فاطمی نسبت داده شده ولی منبع موثقی ندارد. البته نفس چنان اقدامی با توجه به جسارت و روحیات دکتر فاطمی بسیار طبیعی است. حتی به جرئت می‌توان گفت وی در لحظات آخر سخنان تندی بیان کرد چنانکه «ساقی» زندانبان دوران شاه هم چنین مطلبی برای آقای حسین شاه حسینی نقل کرده است. (نشریه «چشم انداز ایران» شماره ۲۲، مهر و آبان ۱۳۸۲، فرازهایی از زندگی و مبارزات دکتر حسین فاطمی، گفتگو با حسین شاه حسینی / ص ۹) به احتمال قوی سرعت تیرباران دکتر فاطمی که به گفته دکتر شایگان و مهندس رضوی حدود ۳ دقیقه بعد از روبوسی آنان رخ داد هم، (مصدق، دولت ملی و کودتا / ص ۳۴۴) به همین دلیل بوده است. اما به نظر می‌رسد در این زمینه مقداری غلو و حماسه سرائی شده زیرا بعید است آزموده اجازه می‌داد سخنرانی طولانی و آن هم علیه دربار انجام گردد. به این لحاظ نگارنده هنوز نتوانسته متن سخنرانی نسبت داده شده به دکتر فاطمی در لحظات آخر عمر را بپذیرد و در اینجا ذکر نگردید.

^{۲۱۹} - زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، دکتر نصرالله شیفته / ص ۴۰۱

پیگر پاک فاطمی را شکافتند... خون فوران زد و روح سرکش او پرواز کرد^{۲۲۰} تا در تاریخ مبارزات آزادی خواهانه ایران به عنوان



مزار دکتر فاطمی

ابن بابویه شهر ری تهران

برترین شهید نهضت ملی و با لقب «سردار بزرگ نهضت ملی ایران» جاودانه گردد. بدین سان حسین فاطمی بر عهدی که از اوائل روزنامه‌نگاری با مردم بسته بود استوار ماند و سرانجام در ۳۷ سالگی در آتش عشق ایران سوخت و جنایتی در کارنامه استعمار و استبداد در ایران رقم خود که پس از کودتای ۲۸ مرداد همواره از آن به عنوان یکی از پلیدترین اقدامات یاد می‌گردد.

لازم به ذکر است که آن شهید وصیت کرده بود در کنار شهدای ۳۰ تیر در «ابن بابویه» دفن گردد. این مهم نیز با همت خواهر فداکارش بانو سلطنت انجام گرفت که حتی خود را روی جنازه برادر در قبر انداخت تا او را به ابن بابویه ببرد.^{۲۲۱} اکنون بر مزار دکتر فاطمی نوشته شده:

بر سر تربت ما چون گذری همت خواه که زیارتگه زندان جهان خواهد بود

خواهر دل‌سوخته‌اش هم تا آخر عمر از عوارض ضربات چاقو رنج می‌برد و همواره دشمن شاه بود. مزار وی در جوار برادرش در ابن بابویه قرار داد.^{۲۲۲}

برخی نقدها و نظرات درباره دکتر فاطمی

تعدادی نقد پیرامون عملکرد دکتر فاطمی وجود دارد که به طور مختصر بررسی می‌کنیم. برخی تلاش می‌کنند دکتر فاطمی را یک چهره تندرو معرفی کنند که حتی باعث اختلافات دکتر مصدق و شاه بود. ولی باطل بودن این ادعا بسیار بدیهی است زیرا اولاً خود دکتر مصدق کاملاً دکتر فاطمی را تأیید کرده که بعد بررسی می‌کنیم. در ثانی تا شاه تسلیم بیگانگان نشده و دست به کودتا نزد، عملاً تنش‌های جهت برکناری شاه یا جمهوری شدن کشور در میان نبود و احترام مقام قانونی سلطنت از طرف دولت و نهضت ملی محفوظ بود. دکتر فاطمی و باختر امروز هم تا آن زمان ابداً حمله خاصی به شاه نکردند. دکتر فاطمی در این باره در مخفیگاه طی نامه‌ای به همسرش می‌نویسد:

^{۲۲۰} - همان / ص ۳۹۹

^{۲۲۱} - یادنامه بمناسبت گذشت یک ربع قرن از شهادت دکتر سیدحسین فاطمی، نشریه شماره ۷ انتشارات جبهه ملی ایران / ص ۴۸ - بانو سلطنت پس از انقلاب در مصاحبه‌ای مسائل چاقو زدن خودش و دکتر فاطمی را تشریح و ضمناً یاد و خاطره جهان پهلوان «غلامرضا تختی» را گرامی داشت که در آن شرایط اختناق هم بر مزار دکتر فاطمی گل می‌گذاشت. (همان)

^{۲۲۲} - رودخانه خروشان عشق، محمود حکیمی / صص ۴۱ و ۱۴۲ نقل از مصاحبه آقای دکتر سعید فاطمی

هیچ آدم با وجدانی که اندکی در جریانات سیاسی وارد باشد، تهمت تغییر رژیم را نخواهد پذیرفت. ولی از ۲۵ مرداد به بعد ما از حیات و موجودیت خود و مملکت دفاع کرده‌ایم و آنچه گفته و نوشته‌ایم جز جنبه دفاعی چیز دیگری ندارد.^{۲۲۳}

به این لحاظ حتی با این فرض هم که دکتر فاطمی کلاً مخالف دربار و خواهان ایجاد جمهوری بود، باز در اختلافات ملیون و شاه، هیچ تقصیری متوجه دکتر مصدق و یارانش نیست. ولی افرادی که نمی‌توانند مصدق را نقد کرده یا کودتای ۲۸ مرداد را توجیه کنند و در عین حال در صدد تطهیر پهلوی هستند، تلاش می‌کنند مقاصدشان را با اتهام زنی به دکتر فاطمی به پیش ببرند.

برخی دیگر به تندروری دکتر فاطمی در فاصله دو کودتا تاکید می‌کنند که گوئی همان باعث شکست نهضت ملی شده است. در حالی که برنامه کودتا با دخالت آمریکا از مدت‌ها قبل طراحی و پیگیری شده بود و در آن مقطع شکست دولت مصدق گریز ناپذیر بود. متأسفانه جامعه در آن هنگام توانائی مقابله همزمان با آمریکا، انگلیس، دربار، بخش عمده روحانیون و... را نداشت و در نتیجه شکست خورد. در کل دکتر فاطمی هم اقدامات خاصی انجام نداد و فقط سه سرمقاله و شرکت در یک میتینگ و ارسال تلگراف داشت. به هر حال اختیارات زیادی هم نداشت و تابع دستور دکتر مصدق بود. در نهایت حتی اگر گفته شود این اقدامات اشتباه بودند، اولاً دفاع در برابر ظلم و تهاجم بودند. در ثانی مسأله مهمی نبوده و به خصوص در برابر خدمات بزرگ دکتر فاطمی ابدأ مسأله مهمی نیستند. ولی این نقد که دکتر فاطمی خیلی خوشبینانه روی توانائی و اقدامات بعدی مردم حساب و لذا عجله کرد، صحیح است. در حالی که دکتر مصدق با تجربه بالا خیلی مراقبت کرد در این دام نیفتد و با آرامش به جلو رفت.

اتهام دیگری هم که بعضاً طرح می‌شود نقش وی در غائله ۱۴ آذر ۱۳۳۰ است که در آن روز شعبان بی‌مخ و یارانش با توده‌ای‌ها زد و خورد شدیدی کردند. در حالی که خود شعبان بی‌مخ در خاطراتش دخالت دکتر فاطمی را تکذیب کرده است.^{۲۲۴} همین تکذیب شعبان بی‌مخ با توجه به میزان دشمنی او با دکتر فاطمی هم نشان می‌دهد چنان برنامه‌ای نبوده است. در ثانی به طور کلی بررسی مسائل نشان می‌دهند شعبان بی‌مخ مدتی به خواست کاشانی مدافع دولت ملی بوده و بعد دشمنش شد. لذا اقدامات وی ربطی به ملیون ندارد. دروغ‌هایی چون سانسور مطبوعات توسط دکتر فاطمی یا تهمت تلاش دکتر فاطمی برای استخدام اوپاش در دولت مصدق هم در کتاب ارزشمند «سوداگری با تاریخ»، محمد امینی، نشر شرکت کتاب (آمریکا)، چاپ نخست ۱۳۹۱، در صفحات ۱۵۳ تا ۱۵۸ و ۳۲۱ تا ۳۲۹ با ذکر جزئیات پاسخ داده شده و نیازی به تکرار نیست. قدر مسلم اگر دولت دکتر مصدق به دنبال چنان اقداماتی بود، خیلی کارهای گسترده‌تری انجام می‌داد در حالی که تا کنون حتی موارد مستند جزئی هم به دست نیامده است.

^{۲۲۳} - نامه ۲۸ مهر دکتر فاطمی به همسرش، فصلنامه مطالعات تاریخی شماره ۸ تابستان ۱۳۸۴، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی / ص ۷۹

^{۲۲۴} - خاطرات شعبان جعفری، به کوشش هما سرشار، نشر ثالث، چاپ ششم ۱۳۸۱ / ص ۹۴

انتقاد دیگر به دکتر فاطمی پناه بردن او به حزب توده است. متأسفانه او به دلیل ضعف تشکیلات ملیون و خطرات بزرگی که متوجهش بود، به ناچار به آن مسیر افتاد گرچه به هر روی از این اقدام ضرری به نهضت ملی و کشور وارد نشد. اشتباه دیگر دکتر فاطمی آن بود که چند بار در باختر امروز با ترور «هژیر» و «رزم‌آرا» با گرایش مثبت برخورد کرد. از جمله در باختر امروز تاریخ‌های ۱۳۳۰/۰۲/۰۱، ۱۳۳۰/۰۲/۱۱، ۱۳۳۰/۰۴/۳۱، ۱۳۳۰/۰۶/۰۵، ۳۰/۱۰/۲۵ و... از حذف این افراد به شکلی ستایش کرد. حتی این دیدگاه بعضاً به حساب کل ملیون گذاشته شده که چنین نبود. این اقدام احتمالاً ناشی از همان جوانی و کم‌تجربگی و در عین حال میل شدیدش به پیروزی نهضت ملی بود. البته وی بعداً روالش با فدائیان اسلام را تغییر داد و جالب آن که در دفاعیات دادگاه نظامی نوشته در برابر اقدامات رژیم کودتا باید به روح دموکرات منش رزم‌آرا درود فرستاد.^{۲۲۵} موارد دیگری هم از حملات تند با صحبت یا قلم وی نسبت به مخالفان وجود دارد که اشتباه بوده اما زیاد نبودند. ضمناً نواب صفوی در مقطعی از جمله سال ۱۳۳۴ و پس از دستگیری تلاش کرد پای برخی ملیون از جمله دکتر مصدق و دکتر فاطمی را بابت دخالت در ترور رزم‌آرا به میان بکشد.^{۲۲۶} اما همان موقع هم مشخص شد عمده ادعاهای او از جمله اطلاع دکتر مصدق از طرح ترور دروغ هستند. دخالت دکتر فاطمی در آن ماجرا هم که ۱ سال پس از شهادتش مطرح شد، به شکل مشابه کذب و عملاً هیچ دلیلی برای آن وجود ندارد. در هیچ منبع معتبری هم چنین چیزی تأیید نشده و حتی رژیم کودتا بعداً چنین مطالبی اعلام نکرد که این نکته به تنهایی ثابت می‌کند این مباحث کذب هستند.

در کنار تمام این مسائل باید به این نکته اشاره شود که برخی تلاش می‌کنند دکتر فاطمی را شخصیتی هم‌تراز دکتر مصدق معرفی کنند که غلط است. اولاً دکتر فاطمی بعد از شهریور ۱۳۲۰ تا زمانی که در زمره یاران مصدق نیامد، اقدام موثری انجام نداده بود. در ثانی در دولت ملی نیز حدود ۱۰ ماه از ۲۸ ماه را به دلیل ناراحتی ناشی از گلوله در بیمارستان‌ها بود. چنانکه از ۲۵ بهمن ۱۳۳۰ تا ۱۲ مهر ۱۳۳۱ و بعد از ۱۰ خرداد ۱۳۳۲ تا ۲۰ مرداد آن سال عملاً بستری بود. این مقاطع هم شامل دوران‌های حساس قیام ۳۰ تیر و فراندوم دکتر مصدق و پیاده کردن اقتصاد بدون نفت هستند. لذا به هیچ وجه نمی‌توان وی را فردی هم‌عرض دکتر مصدق به شمار آورد. خودش نیز چنین ادعائی نداشت بلکه همواره بر پیشوائی دکتر مصدق تأکید می‌کرد. عده‌ای هم تصور می‌کنند اگر دکتر مصدق به سخنان وی گوش می‌داد، پیروز می‌شد که قطعاً غلط است. به واقع در مقطع کودتا وسعت توطئه‌ها به حدی بودند که ایستادن در برابرش ابدأ در توان ملیون نبود چنانکه دیکتاتوری ۲۵ سال بعد این نکته را اثبات کرد.^{۲۲۷}

^{۲۲۵} - خاطرات و مبارزات دکتر حسین فاطمی، بهرام افراسیابی/ ص ۳۳۰

^{۲۲۶} - اسرار قتل رزم‌آرا، محمد ترکمان، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول ۱۳۷۰/ ص ۳۹۹ + در کتاب نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی، علی رهنما، ص ۱۹۴ هم به نقل از منبع کم ارزشی آمده که نواب در تیر ۱۳۳۲ مطلب مشابهی مبنی بر اطلاع دکتر فاطمی از ترور رزم‌آرا گفته که بنا به همان دلایل اشاره شده کذب است.

^{۲۲۷} - این مبحث به شکل مجزا در بررسی عملکرد دکتر مصدق و دولت ملی بررسی می‌گردد.

در عین حال تردیدی نیست که دکتر فاطمی در اواخر دولت مصدق از نزدیک‌ترین یاران او بود که این مسئله به تأیید بسیاری یاران دکتر مصدق همچون دکتر سنجابی^{۲۲۸}، مهندس زیرک‌زاده^{۲۲۹}، لطفی^{۲۳۰} و... رسیده است. حتی به جرئت باید گفت او پس از دکتر مصدق نفر دوم نهضت ملی ایران بود. چنانکه خبرگزاری رویتر لندن بعد از شهادت دکتر فاطمی در خبرهایش آورد که حریفان فاطمی او را «نبوغ شیطانی» مصدق نامیده‌اند.^{۲۳۱} همچنین خدمات دکتر فاطمی مورد ستایش

بزرگان ایران قرار داشته و دارد. دکتر مصدق در نامه معروفش درباره ملی شدن نفت می‌نویسد:

«اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که به مملکت شده، باید از آن کسی که اول این پیشنهاد را نمود، سپاسگزاری کرد و آن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی است که روزی در خانه جناب آقای نریمان پیشنهاد خود را داد و عمده نمایندگان جبهه ملی حاضر در جلسه آن را به اتفاق آراء تصویب نمودند رحمة الله علیه که در تمام مدت همکاری با این جانب حتی یک ترک اولی هم از آن بزرگوار دیده نشد.»^{۲۳۲}

که به خصوص تأکید بر عدم «ترک اولی» (ترک کار برتر) نشانگر تأیید بسیار ویژه است. در نامه دیگری هم خطاب به



^{۲۲۸} - خاطرات سیاسی دکتر کریم سنجابی، دکتر کریم سنجابی / ص ۲۰۵

^{۲۲۹} - پرسش‌های بی‌پاسخ در سالهای استثنایی، خاطرات مهندس احمد زیرک‌زاده، به کوشش دکتر ابوالحسن ضیاء‌ظریفی، دکتر خسرو سعیدی/

ص ۱۱۸

^{۲۳۰} - محمد مصدق در محکمه نظامی، به کوشش جلیل بزرگمهر، انتشارات دوستان، چاپ سوم تابستان ۱۳۷۸ / ص ۱۵

^{۲۳۱} - زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی، دکتر نصرالله شیفته / صص ۴۰۰-۴۰۱

^{۲۳۲} - نامه‌های دکتر مصدق ج ۱، گردآورنده: محمد ترکمان / ص ۳۷۶

خانواده دکتر فاطمی می‌نویسد:

"... هر وقت به یاد زجرهائی که به آن رادمرد داده شد می‌آیم بی‌اختیار متأثر می‌شوم و یقین دارم که نام نیکش همیشه در صفحات تاریخ ایران باقی خواهد ماند"^{۲۳۳}

و در نامه‌های دیگری به آیت‌الله زنجانی (تا کنون منتشر نشده‌اند) تجلیل‌های کم نظیری از دکتر فاطمی نموده و از او با عنوان فردی استثنائی نام برده که «می‌تواند آموزش دهنده همه وطن دوستان» باشد.^{۲۳۴}

دکتر «غلامحسین مصدق» هم در خاطراتش می‌نویسد:

"مرگ دکتر فاطمی او [مصدق] را تکان داد. و بارها، با چشمان اشک‌بار، از او، و اخلاص و فداکاری‌هایش یاد می‌کرد."^{۲۳۵}

سایر بزرگان ملی هم به اشکال مختلف وی را ستایش کرده‌اند. دکتر «کریم سنجابی» می‌نویسد:

"... از آغاز فعالیت جبهه ملی که روزنامه باختر امروز را به وجود آورد از همان روز اولی که شروع به کار کرد تا روزی که حکومت مصدق ساقط گردید بنده این شهادت را می‌دهم که نه قدماً نه قلماً و نه لفظاً هیچ‌گونه خطائی و انحرافی از او ندیدم. مردی بود شجاع و بی‌باک"^{۲۳۶}

مهندس «احمد زیرک‌زاده»:^{۲۳۷}

"[دکتر فاطمی] نمونه فداکاری در راه عقیده، سرمشق برای آنها که برای نجات وطن از خود می‌پرسند «چه باید کرد؟»"

دکتر «پرویز ورجاوند»:

"تاریخ ایران و ملت ایران برای دکتر فاطمی جایگاه والایی قائل است، جایگاهی که مشکل است هر کسی بتواند به آن دسترسی پیدا کند"^{۲۳۸}

و به نظر نگارنده یکی از زیباترین تعبیرها درباره دکتر فاطمی توسط مهندس «لطف‌الله میثمی» به کار برده شده آنجا که دکتر فاطمی را یک «عاشق صادق» خوانده و همین عاشقانه بودن حرکت را برجسته‌ترین ویژگی دکتر فاطمی می‌داند.^{۲۳۹} به واقع

^{۲۳۳} - همان / ص ۲۹۰

^{۲۳۴} - نشریه «چشم انداز ایران» شماره ۲۲، مهر و آبان ۱۳۸۲، فزازهائی از زندگی و مبارزات دکتر حسین فاطمی، گفتگو با حسین شاه حسینی / ص ۱۱

^{۲۳۵} - در کنار پدرم؛ مصدق، خاطرات غلامحسین مصدق، ویرایش و تنظیم غلامرضا نجاتی / ص ۱۵۹

^{۲۳۶} - خاطرات سیاسی دکتر کریم سنجابی، دکتر کریم سنجابی، نشر صدای معاصر، چاپ اول ۱۳۸۱ / ص ۱۹۲

^{۲۳۷} - پرسش‌های بی‌پاسخ در سالهای استثنائی، خاطرات مهندس احمد زیرک‌زاده، به کوشش دکتر ابوالحسن ضیاء‌ظریفی، دکتر خسرو سعیدی / ص ۱۱۸

^{۲۳۸} - مصاحبه دکتر پرویز ورجاوند با روزنامه شرق چهارشنبه ۲ آذر ۱۳۸۴ - ۲۳ نوامبر ۲۰۰۵

هرچه در فعالیت‌های دکتر فاطمی در کنار مصدق بررسی کنیم، به همین عشق خدمت به وطن می‌رسیم. آنجا که در نخستین سرمقالهٔ باختر امروز پس از تشکیل جبههٔ ملی می‌نویسد امروز مانند عاشقی است که پس از سال‌ها دوری به وصال معشوق رسیده، آن که در طول دولت مصدق به سان یک سرباز فقط به فکر خدمت بود، آنجا که در زندان تاکید می‌کرد ابداً شرایط بیماری و مجروح بودن او و حتی ناراحتی خانواده‌اش را در نظر نگرفته و فقط به فکر نهضت ملی باشند. و سرانجام ایستادگی دلاورانه‌اش در برابر جوخهٔ آتش...

در نهایت این که داستان قتل مظلومانهٔ او با تن بیمار و چاقو خورده یکی از غمناک‌ترین اتفاقاتی است که در تاریخ ایران برای خادمان وطن افتاده و داغ ننگ بزرگی بر پیشانی استعمار و کودتاچیان است. برخی وطن‌دوستان از این جنایت به عنوان اقدامی مشابه قتل «امیر کبیر» توسط سلسلهٔ قاجار یاد می‌کنند که البته شباهت‌های بسیاری هم وجود دارد. ضمن اینکه تاریخ پاسخ این جنایات را به روشنی داده چنانکه برخی کودتاچیان توسط شاه از بین رفتند و بعد امواج انقلاب شاه و سایر ظالمان را به خواری و آوارگی انداخت. در عین حال به محض پیروزی انقلاب تجلیل کم‌نظیری از دکتر فاطمی شد و نام خیابان «آریامهر» به «دکتر فاطمی» تغییر یافت. هنوز هم با وجود تمام دشمنی‌ها با ملیون و برداشتن نام مصدق از خیابان پهلوی (ولیعصر کنونی)، نام خیابان دکتر فاطمی پابرجا بوده و از همه مهم‌تر در صفحات تاریخ ایران به عنوان یک افتخار ملی ثبت شده است.

^{۲۳۹} - نشریهٔ چشم انداز ایران شمارهٔ ۱۷، آذر و دی ۱۳۸۱، متن سخنرانی مهندس میثمی در دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به مناسبت شهادت دکتر فاطمی، ۸۱/۰۸/۱۹ با عنوان «نهال‌های راهبردی که دکتر فاطمی کاشت»/ صص ۲-۵

کلام آخر درباره دکتر فاطمی و راه جمهوری خواهی او

دکتر «سیدحسین فاطمی» بی تردید یکی از سیاستمداران و روزنامه‌نگاران استثنائی تاریخ معاصر ایران است. وی از دهه ۱۳۲۰ در روزنامه‌اش از «اعلامیه جهانی حقوق بشر»، «آزادی» و «عدالت» سخن می‌گفت و به قصد خدمت وارد میدان شد. در حالی که این مفاهیم و به خصوص حقوق بشر هنوز بعد از گذشت حدود ۷ دهه از آن زمان به درستی در جامعه جا نیفتاده‌اند. همچنین از اوائل شروع روزنامه‌نگاری بعد از شهریور ۱۳۲۰ اعلام می‌کرد «بالاخره به نزد پدران خواهیم رفت و نباید با روی سیاه باشد» تاکید هم می‌کرد آماده فدا کردن جان در این راه است و شجاعت کم‌نظیری داشت. وی تا سال ۱۳۲۷ که با اخذ دکترای به کشور بازگشت، در روزنامه‌ها فعالیت می‌کرد.

پس از بازگشت به ایران روزنامه «باختر امروز» را ایجاد کرد. به مرور درصف یاران دکتر مصدق قرار گرفته و در مدت کوتاهی تبدیل به یکی از مبارزان و مطبوعاتی‌های برجسته ایران شد. در تشکیل جبهه ملی ایران نقش موثری داشت و پیشنهاد دهنده نام «جبهه ملی» بود. باختر امروز هم در تبلیغات جبهه ملی بسیار موثر بود. گرایش سیاسی دکتر فاطمی تا حد زیادی «ملی‌چپ» بود به این شکل که اعتقاد کامل به استقلال و آزادی ایران و علاقه به عظمت کشور داشت. در عین حال از نظر اقتصادی مدافع اقشار ضعیف بود. «پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت کشور» به ابتکار وی ارائه و با هدایت دکتر مصدق عملی شد. ضمناً او از منطقی پیروی می‌کرد که «کمال فضیلت و سعادت را در انجام وظیفه به بهترین شکل» می‌دید. به بیان دیگر او «عاشق خدمت به میهنش» بود. به همین دلیل در دولت مصدق همواره همچون سربازی فداکار در خدمت نهضت ملی و از بهترین یاران مصدق و عملاً نفر دوم نهضت ملی ایران بود. وی سرانجام بهای عاشقی و تلاش همه جانبه در راه استقلال و آزادی ایران را با خونسپرداخت. به این ترتیب تا همینجا خدمات ارزنده وی به ایران برای همیشه نام او را به عنوان یکی از خادمان بزرگ کشور ثبت خواهد کرد.

با این تفاسیر هرچند ایران هنگام کودتا توانائی کافی برای رسیدن به استقلال و آزادی را نداشت، ولی دکتر فاطمی در همان فضای خفقان، به تعبیر دکتر مصدق با خونس نهال نهضت ضد استعماری ایران را آبیاری نمود.^{۲۴۰} به این لحاظ اقدامات و جان‌فشانی‌های کم‌نظیر او در تاریخ ثبت و به جرأت باید گفت از قهرمانان استثنائی تاریخ معاصر ایران و یادآور قهرمانان اسطوره‌ای است که با لقب «سردار بزرگ نهضت ملی ایران» خوانده می‌شود. او حتی الگویی برای ملیونی است که حاضر به فداکاری در راه وطن هستند چنانکه دیدیم دکتر مصدق او را آموزش دهنده همه وطن‌دوستان خطاب می‌کرد. پس کاملاً به جاست که به خصوص جوانان عاشق خدمت به وطن، از مبارزات و از خودگذشتگی و شجاعت او الگوبرداری کنند.

در بحث جمهوری خواهی هم به جرئت باید گفت دیدگاه‌های دکتر فاطمی بابت لزوم برچیده شدن بساط ارثی سلطنت پهلوی و برقراری یک نظام کاملاً انتخابی صحیح بود.^{۲۴۱} کما اینکه تاریخ نشان داد بساط دربار پهلوی باید برچیده گردد.

^{۲۴۰} - قلم و سیاست (۲) از کودتای ۲۸ مرداد تا ترور منصور، ج ۲، محمدعلی سفری / ص ۵۱۹

^{۲۴۱} - در لزوم دموکراسی در حکومت شکی نیست اما این مهم امروزه با دو مدل جمهوری و سلطنت مشروطه وجود دارد. سلطنت مشروطه مشابه قانون اساسی قبل از انقلاب است که خواست ناکام دکتر مصدق بود. امروزه هم در کشورهایی به سان انگلستان وجود دارد و شاه یا ملکه در آن

همچنین عدم کارآئی جمهوری اسلامی ثابت می‌کند بهترین مدل حکومتی «جمهوری دموکراتیک» یا همان «جمهوری ایرانی»^{۲۴۲} است. لذا اگر در دوران کودتا توانائی کافی در جامعه برای جمهوری شدن ایران و مقابله با استعمار آمریکا و انگلیس وجود داشت، به طور قطع امروز سرنوشت ایران بسیار متفاوت و اکنون یک کشور دموکراتیک با اقتصاد بسیار قدرتمند و حداقل مشابه اروپا بود.

در نهایت هم او مفتخر شد «اولین شهید جبهه ملی در راه ایجاد جمهوری دموکراتیک ایران» گردد.^{۲۴۳} زمانی هم که ایران به جمهوری دموکراتیک برسد، بیش از پیش از وی به عنوان یکی از پایه‌گذاران اصلی این مسیر تجلیل خواهد شد. به همین دلایل در وصف شهادتش سروده‌اند:

داند که خون اوست در این خشک سالِ رشد
کآرد نهالِ نهضت ملی به برگ و بر
زین روی تن به مرگ دهد با رضای دل
تا خود کند، حقیقتِ ایثار جلوه‌گر^{۲۴۴}

امروز نیز بایستی نام وی مکرر در مکرر یادآوری گردد تا تلنگری بر خواب غفلت‌زدگان باشد، شاید بیدار گردند که هم ظالمان و هم خادمان سرانجام به نزد پدران خواهند رفت؛ اما آنان که بر سر عهد خدمت به خلق می‌ایستند، چگونه در تاریخ نیک نام می‌گردند.

یادش جاودان و راهش پر رهرو

حمیدرضا مسیبیان (Hamosaieb@yahoo.com)

کرمانشاه- ۱۹ آبان ۱۳۹۴ (ویرایش دوم)

فقط نماد تشریفاتی و هیچ کاره هستند. در عین حال به شکل ارثی و خانوادگی نسل در نسل و بدون هیچ کاری از منابع مالی کشور بهره می‌برند لذا مخالفان زیادی دارد. برای کشورهای جهان سوم هم خطرناک بوده و ممکن است منجر به دیکتاتوری سلطان گردد.

^{۲۴۲} - یادآور شعار معروف «استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی»

^{۲۴۳} - امروزه جمهوری خواهی به هدف اصلی نیروهای ملی و پیروان راه دکتر مصدق تبدیل شده است. البته شرایط اکنون با زمان دکتر مصدق ابداً قابل مقایسه نیست و در آن زمان تنها گزینه ممکن سلطنت مشروطه بود. کما اینکه حوادث نشان داد ملیون توانائی مقابله همزمان با دربار و استعمار را نداشتند و دولت مصدق بعد از خروج شاه از کشور، سقوط کرد.

^{۲۴۴} - شعر از شاعر ملی ایران استاد «عبدالعلی ادیب برومند»، نقل از قلم و سیاست (۲) / از کودتای ۲۸ مرداد تا ترور منصور، ج ۲، محمدعلی سفری /

ص ۱۶۱ - نقل از سرود رهائی